

۶- احضار و محاکمه دانشجویان و وبلاک نویسان ، سردبیران و مسئولان نشریات عمومی و دانشجویی به دادگاه و فیلترینگ سایت ها که بطور پیوسته و گسترده در جریان است متوقف شود.

۷- اعضای هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد از جمله منصور اسالو و همکارانش که به خاطر دفاع از حقوق قانونی خود دستگیر و زندانی شده اند هرچه زودتر و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند و همچنین همه ی کارکنان اخراجی شرکت واحد به سرکار خود بازگردند.

۸- ما همچنین خواهان روشن شدن نهایی پرونده ی عبدالفتاح سلطانی و رفع اتهام از ایشان هستیم .

و سرانجام چون همیشه آرزومندیم هرگونه برخورد ضدانسانی در همه ی عرصه های زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران منسوخ گردد. تا همگی با هرنوع عقیده و اندیشه در کنار هم در صلح و بهروزی و سلامت و امنیت زندگی کنند.

کانون نویسندگان ایران اسفند ۱۳۸۴

بهاران خجسته باد

پیام نوروزی کانون نویسندگان ایران



مردم شریف و آزاده ی ایران

فرارسیدن نوروز را به شما شادباش می گوئیم . سال ها سپری می شود و ما، اعضای کانون نویسندگان ایران ، در آغاز هر سال یاد عزیزان جان باخته در راه آزادی اندیشه ، بیان و قلم ، به ویژه سعید سلطانیپور، احمد میرعلایی ، غفار حسینی ، محمد مختاری، محمد جعفرپوینده را گرامی می داریم.

ما همچنان در کنار مردم آزادیخواه بر استقرار نهادهای مدنی و صنفی و آزادی اجتماعات پای می فشاریم و می خواهیم :

۱ - از آنجا که فشار سانسور بر عرصه نشر کتاب و مطبوعات هر روز فزونی می یابد، مصرانه می خواهیم که تیغ سانسور از ساحت کتاب و مطبوعات هرچه سریع تر کوتاه شود.

۲ - دکتر ناصر زرافشان عضو کانون نویسندگان ایران و وکیل خانواده ی قتل های سیاسی ، موسوم به زنجیره ای که برای دفاع از عدالت نزدیک به چهار سال است در زندان به سر می برد، هرچه سریع تر آزاد شود.

۳ - وضع پرونده یوسف عزیزی بنی طرف و محسن حکیمی (از اعضای کانون نویسندگان ایران) هرچه زودتر روشن شود.

۴ - اکبر گنجی نویسنده و روزنامه نگار که به زودی دوره ی حبس شش ساله ی وی به پایان می رسد هرچه زودتر و بدون قید و شرط آزاد شود.

۵- سرنوشت پرونده ی قتل های سیاسی موسوم به قتل های زنجیره ای که در آن دو عضو کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و محمد جعفرپوینده با بی رحمی و سفاکی کشته شدند و نیز پرونده ی قتل زهرا کاظمی هر چه سریع تر روشن شود.



جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

Society of Human Rights in Iran

- از آنجا که هر فردی میتواند بدون هیچگونه تبعیضی از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره مند گردد.

- از آنجا که هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادیهای را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر گردیده است، تامین نماید و آنها را بموقع اجراء گذارد.

- از آنجا که حقوق انسانی را باید با وضع و اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج به قیام برضد سلطه انسان بر انسان مجبور نگردد.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران تامین حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای مردم ایران وجهه کوشش و همت خود قرار میدهد.

از مقدمه اساسنامه جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122.CDN - C.P 49552 - Montreal. QC H3T

هیئت مدیره جدید کانون وکلای مرکز

بر اساس گزارش کانون وکلای دادگستری مرکز، پس از برگزاری انتخاباتی که به گفته این کانون با استقبال مواجه شده و شمارش آرا، اعضای جدید هیئت مدیره این کانون برگزیده شده اند. بهمن کشاورز، گودرز افتخار



جهرمی، محمد فرد پور ماکینانی، عبدالفتاح سلطانی، اسماعیل مصباح، امیر حسین آبادی، علی نجفی توانا، شهرام مدرس گیلانی، ابراهیم ثابت قدم، جهانگیر مستوفی، احمد سعادت رضا تمدن به عنوان اعضای اصلی کانون وکلای دادگستری مرکز انتخاب شده اند. شاپور منوچهری، رضا آشوری، توران شهریار، جمال‌الدین میرسلیمی، ابوالفتح رفیعی و بهشید ارفع نیا نیز به عنوان اعضای علی البدل برگزیده شده اند.

پیش از برگزاری انتخابات، وزارت دادگستری با ارسال نامه ای صلاحیت ۱۴ تن از نامزدهای عضویت در هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز را رد کرده بود.

نعمت احمدی، یکی از نامزدهای رد صلاحیت شده به ایسنا گفته بود که علاوه بر وی، صلاحیت حسین عسگری راد، محمدعلی دادخواه، عبدالفتاح سلطانی، جهانگیر مستوفی، علی نجفی توانا، غلامعلی ریاحی، هادی اسماعیل زاده، محمد علی جداری فروغی، احمد بشیری، بهشید ارفع نیا، فرشاد یکتا، منوچهر نوروزیان و امیر حسین آبادی نیز تایید نشده است. با وجود این، هیئت نظارت بر انتخابات اعلام کرد به دلیل آنکه اعلام نظر درباره صلاحیت نامزدها از سوی دادگاه عالی انتظامی قضات صورت نگرفته، انتخابات با اسامی ۷۵ نفر ثبت نام کننده برگزار می شود.

کانون مدافعان حقوق بشر با صدور پیامی، انتخاب عبدالفتاح سلطانی را به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز تبریک گفت و از هیئت نظارت و اعضای هیئت مدیره این کانون به دلیل آنچه آن را پایداری در برابر برخی قانون شکنی ها نامیده است، قدردانی کرد.

عبدالفتاح سلطانی، وکیل اکبر گنجی و زهرا کاظمی و عضو کانون مدافعان حقوق بشر ایران که بیش از هفت ماه پیش بازداشت شده بود، هفته گذشته به قید وثیقه ای یکصد میلیون تومانی آزاد شده

است. آقای سلطانی پس از آزادی در یک گفت و گو اظهار کرد در جریان بازداشت و حبس او تخلفات متعددی صورت گرفته و قانون نقض شده است.

او گفت قصد دارد به زودی با اعلام مشروح این موارد، کسانی را که "باند قانون شکن" توصیف کرد، افشا کند. در همین حال، کانون مدافعان حقوق بشر پیرامون نحوه و کیفیت بازداشت عبدالفتاح سلطانی، عضو تازه آزاد شده این کانون سمیناری را صبح روز دوشنبه در محل این کانون برگزار می کند.

بازداشت آقای سلطانی، اعتراض حقوقدانان، وکلای دادگستری و مجامع حقوق بشری، از جمله همکاران او در کانون مدافعان حقوق بشر را به دنبال داشت و ماه گذشته، بیش از ۱۸۰ وکیل و حقوقدان در اقدامی بی سابقه در تاریخ قضایی ایران، طی نامه ای به محمود هاشمی شاهرودی، رییس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، خواستار آزادی فوری او شدند. عبدالفتاح سلطانی و وکلای مدافع او اکنون در انتظار بررسی پرونده و رسیدگی قضائی به اتهاماتش هستند اما او گفت که انجام یک دادرسی عادلانه را "بعید" می داند.

او احتمال داد که پرونده اش همچون پرونده اتهامات برخی از دانشجویان، برای مدتی بلا تکلیف و مفتوح نگه داشته شود تا آنچنان که می گوید، وادار شود از ابراز نظر و انتقاد بپرهیزد.

آقای سلطانی، وکالت شماری از پرونده های سیاسی و مطبوعاتی را از جمله پرونده اکبر گنجی، روزنامه نگار ناراضی که شش سال است در زندان به سر می برد و خانواده زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی کانادایی که در حین بازداشت در ایران کشته شد، بر عهده داشته است.

زرافشان را آزاد کنید

وکلای دادگستری مرکز پنجاه و سومین سال استقلال خود را جشن گرفت. جمع زیادی از وکلای قدیمی و جوان و کارآموزان وکالت در کنار یکدیگر، سالروز استقلال کانون را جشن گرفتند. در این مرحوم از دکتر مصدق که لایحه قانون استقلال کانون وکلا را در دوره خود تهیه کرده بود تجلیل شد. دکتر مصدق خود وکیل دادگستری بود.



خواست آزادی ناصر زرافشان در کانون بحث‌های مراسم پنجاه و سومین سال استقلال کانون بود و به همین دلیل زمانی که جندقی

ضمن حفظ مواضع انتقادی جنبش دانشجویی درباره نارساییها و کاستیها، به عنوان جنبش اصیل دانشجویی با ذکر این نکته که این افراد نمایندگان جنبش دانشجویی ایران نیستند از تمام جریانهای موجود در دفتر تحکیم وحدت، به ویژه طیف موسوم به مدرن می‌خواهیم تا در برابر این اقدام مواضع خود را تبیین نموده تا جلوی انحرافی که برای نخستین بار در حیات پربار جنبش دانشجویی در حال وقوع است گرفته شود و مانع لطمه به حیثیت جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت گردند.

باتوم مشکلی را هم حل نمی‌کند

شیرین عبادی در روز ۸ مارس امسال، روزی که نیروی انتظامی در پارک دانشجویا خشونت با شرکت کنندگان رفتار کرد، در ایران نبود. او پس از بازگشت به ایران ضمن ابراز همبستگی با



زنان حاضر در این برنامه و اعتراض به حرکت نیروی انتظامی در این باره گفت: «وضعیت حقوقی زنان در ایران با وضعیت فرهنگی آنان همخوانی ندارد. بیش از ۶۵ درصد از دانشجویان ایران دختر هستند و به عبارتی زنان ایرانی تحصیل کرده تر از مردان هستند. مهذا علیرغم وضعیت فرهنگی بالای زن ایرانی و با وجود آن که دولت ایران به میثاقهای بین المللی حقوق بشر پیوسته و متعهد اجرای آنها شده و مهمترین اصل در حقوق بشر، عدم تبعیض بر اساس جنسیت است، اما قوانین ایرانی متأسفانه حاوی نکات تبعیض آمیزی است. از جمله آن که شهادت دو زن در دادگاه معادل شهادت یک مرد است و یا این که اگر اتومبیلی در خیابان با زن و مردی تصادف کند میزان خسارتی که به زن تعلق میگیرد نصف خسارتی است که طبق قانون به مرد میدهند و بسیاری قوانین نامناسب دیگر متناسب حقوق زن ایرانی نیست. بدین جهت جنبش فمینیستی ایران وسعت و عمق زیادی یافته است، این جنبش رهبری ندارد، اداره مرکزی و شعبی ندارد بلکه جایگاه آن در خانه هر ایرانی است که با تبعیض ناروا مخالف است. روز ۸ مارس که از طرف سازمان ملل متحد روز جهانی زن نامگذاری شده ارتباطی با هیچ کشور و هیچ مرام و مسلکی ندارد عده ای از زنان هموطن ما قصد داشتند در یکی از پارکهای عمومی شهر تهران گردهم آیند و سوت دلالانه این روز را گرامی دارند. حتی قبل از برگزاری چنین تجمعی به محض آنکه چند نفر از راه

دبیر هیات مدیره ای که دوره آن پایان یافت از زرافشان یاد کرد، حاضران در جلسه دقایقی او را تشویق کردند. جندقی گفت: همچنین همکار دیگرمان آقای عبدالفتاح سلطانی مدت ۷ ماه در بند بودند که خوشبختانه در جمع ما حضور دارند و به عضویت اصلی هیات مدیره انتخاب شدند.

بیانیه فراکسیون دموکراسی خواه ملی درباره سخنرانی دو عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در کنگره آمریکا



در پی سخنرانی علی افشاری و اکبر عطری دو تن از اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت در کنگره آمریکا یکی از فراکسیونهای دفتر تحکیم وحدت شاخه علامه در بیانیه‌ای با یادآوری این نکته که جنبش دانشجویی ایران همواره معتقد به تحولات درون زا بوده و هیچ گاه برای ایجاد تحول در کشور چشم امید به بیگانگان نداشته است. خواستار جلوگیری از نهان شدن چنین بدعتی از سوی دیگر مجموعه‌های دفتر تحکیم شدند در این بیانیه آمده است جنبش دانشجویی ایران در حیات طولانی مدت خود، همواره از جریانات اصیل در مبارزه با مناسبات سلطه جویانه و امپریالیستی در دنیا بوده است. این جنبش در طول حیات خود همواره معتقد به تحولات درون زا بوده و هیچ گاه برای ایجاد تحول در کشور چشم امید به بیگانگان نداشته است. در تاریخ هفتاد ساله این جنبش به غیر از شاخه جوانان حزب توده که وابستگی به شوروی داشت هیچ یک از افراد و جریانات موثر این جنبش به دولت های خارجی وابستگی پیدا ننموده و شرافت، میهن پرستی و آزادگی خود را حفظ کرده اند. متأسفانه در بدعتی خطرناک دو تن از اعضای سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت با پذیرش دعوت دو تن از تندروترین سناتورهای دست راستی آمریکا که در کارنامه آنها طرح تجزیه ایران و ضربه زدن به منافع ملت ایران وجود دارد، در حضور سایر سناتورهای آمریکایی و بر خلاف تمام تعهدات ملی، سخن از لزوم دخالت بیگانگان در تغییر سرنوشت جامعه ایران به میان آورده اند. اقدامی که بسیاری از نیروهای ملی را که بعضاً از کوشندگان اپوزیسیون هستند را نگران و ناراضی کرده است. ما

آن می کند حق ندارد به یک فرهنگ پذیرفته شده سمبلیک اعتراض کند.» محمد تقی رهبر نماینده اصفهان در جمع خبرنگاران پارلمانی تصریح کرد: «اقدام اعتراض آمیز در دانشگاه شریف از طریق عواملی ایجاد می شود که یک نوع کج اندیشی و دیگر اندیشی داشته و در دانشگاه ها حضور دارند.» امام جمعه موقت اصفهان با بیان اینکه این افراد یادشان رفته هر چه دارند به برکت همین شهدا است افزود: «از کمیته انضباطی دانشگاه ها می خواهیم به وضعیت آن دانشجویان رسیدگی کنند. دفن شهدا در دانشگاه ها به عنوان معلمین شهادت و آموزگاران فداکاری برای روحیه دانشجویان و تربیت نسل دانشجو مفید است.»

حکم حبس برای سه ملی مذهبی

تقی رحمانی، هدی صابر و رضا علیجانی از فعالان ملی-مذهبی به اتهام عضویت و شرکت



در جمعیت غیرقانونی از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به هشت ماه حبس تعزیری محکوم شدند. محمد شریف، وکیل مدافع این فعالان ملی-مذهبی در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا"، با اعلام این مطلب، اتهامات موکلانش را تشکیل جمعیت غیرقانونی، تبلیغ علیه نظام و عضویت در جمعیت غیرقانونی عنوان کرد و گفت: پیش از این اتهام دخالت در اغتشاشات دانشجویی نیز به موکلین بنده منتسب شد که در ردیف اتهامات تفهیم شده در دادگاه ذکر نشده بود. وی افزود: جمعیت مورد نظر دادگاه یک NGO بوده و طبق مقررات در وزارت کشور جهت ثبت منعکس شده و کلیه تشریفات لازم نیز از طریق نیروی انتظامی و مراکز ذیصلاح جهت ثبت این NGO اتخاذ شده است. شریف تصریح کرد: رحمانی، صابر و علیجانی از اتهام تشکیل جمعیت برائت حاصل کردند و اتهام دخالت در اغتشاشات دانشجویی نیز در حکم صادره ذکر نشده است. در مورد اتهام تبلیغ علیه نظام نیز به این لحاظ که موضوع این اتهام در اتهام عضویت در جمعیت غیرقانونی و شرکت در جلسات آن مستتر بوده، مجازاتی برای آن تعیین نشده است.

رسیدند نیروی انتظامی با خشونت زنان را متفرق ساخت و در این ارتباط حتی به پرآوازه ترین شاعر زن ایرانی یعنی خانم سیمین بهبهانی که درسین کهولت به سر میبرند نیز رحم نکرد. استناد پلیس برای خشونت آن بود که چنین گردهمایی ای احتیاج به مجوز دارد و حال آنکه طبق قانون اساسی تجمعات مسالمت آمیز نیازمند هیچ اجازه و مجوزی نیست و اگر قرار بر این باشد که هرگونه گردهمایی با کسب اجازه قبلی صورت بگیرد باید بر این اعتقاد باشیم که اگر سه نفر هم در گوشه خیابان یا پارکی گردهم آیند مرتکب خلاف شده اند و حال آنکه میدانیم این استدلال درست نیست. طبق اصول حقوقی، شهروندان آزاد هستند که هرطور بخواهند عمل کرده و زندگی نمایند. مگر این که قانونی در موردی خاص این آزادی را از آنان سلب کرده باشد. در موضوع مورد بحث قانونی وجود ندارد و نمیتوان آزادیهای مشروع ملتی را موقوف به موافقت مقامات دولتی کرد و از سوی دیگر بر فرض که چنین عملی نیازمند کسب موافقت از مقامات دولتی باشد ضمانت اجرای عدم کسب مجوز این نیست که پلیس با خشونت رفتار نماید. مانند آن که اگر رانندهای از چراغ قرمز عبور کند، رفتار پلیس با وی چگونه باید باشد؟ آیا باید او را جریمه کند یا این که وسط خیابان او را با خشونت از ماشین پیاده کرده و به ضرب و شتم وی پرداخته و مانع از ادامه مسیر او شود؟ کدامیک از این موارد وظیفه پلیس است؟ مسلما هر فردی غرضی ولو آنکه به قانون نیز آشنا باشد به خوبی واقف است که فقط جریمه کردن در حیطه اختیارات پلیس است و بس. به این ترتیب، ضمن اعلام تاسف از واقعه ای که روز ۸ مارس در پارک دانشجو اتفاق افتاد و ضمن ابراز همبستگی با زنانی که در آن روز در پارک گردهم آمده بودند، به عنوان یک وکیل دادگستری اعلام میدارم خشونت نیروی انتظامی فاقد مجوز قانونی است و امیدوارم که احترام به قانون خصوصا قانون اساسی بیش از گذشته رواج یابد.

دانشجو حق اعتراض ندارد

محمد تقی رهبر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم در واکنش به اعتراض



برخی از دانشجویان به دفن سه شهید در دانشگاه صنعتی شریف گفت: «دانشجویی که دولت حداقل در هر سال دو میلیون خرج

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

جورج بوش؛ تروریست شماره‌ی یک جهان



به از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ده‌ها تن از معترضان در سیدنی با شعار "جنگ را همین الان تمام کنید"، "سربازان از عراق خارج شوند"، تظاهرات کردند. هم‌چنین بسیاری از این مخالفان جنگ پلاکاردهایی را در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "جورج بوش؛ تروریست شماره‌ی یک جهان" و از اینکه ایران ممکن است کشور بعدی مورد حمله آمریکا باشد، ابراز نگرانی کردند و فریاد برآوردند: "دست از سر ایران بردارید." یکی از اعضای شاخه‌ی ائتلاف توقف جنگ در استرالیا که این راهپیمایی را سازماندهی کرده بود، اعلام کرد: عراق یک باتلاق است و فاجعه بشر دوستانه‌ای برای عراقی‌ها وجود دارد. هیچ راه رو به جلویی نیست، مگر پایان اشغالگری. گروه دانشجویان ضد جنگ نیز اعلام کردند: در صورتیکه نیروهای ائتلافی در عراق بمانند، بحران جدی در عراق وخیم‌تر می‌شود؛ هر چقدر اشغالگران بیشتر در این کشور بمانند، بی‌ثباتی در این کشور بیشتر می‌شود. با جنگ در استرالیا هم چنان آشکارا و علنی است اما این کشور حدود ۱۳۰۰ سرباز در عراق دارد. ۲۰۰۰ تن از مردم نیز در توکیو با برپایی تظاهرات اعلام کردند: اشغالگری را متوقف کنید. یکی از اعضای گروه صلح جهانی نیز اعلام کرد: این جنگ بر اساس قوانین بین‌المللی غیر قانونی است، ما عقب نشینی فوری نیروهای دفاعی خود و تمام نیروهای خارجی از عراق را خواهانیم. انتظار می‌رود تظاهرات‌های ضد جنگ گسترده‌ای نیز در اروپا برپا شود. ائتلاف "Stop the War" نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما ادامه می‌دهیم تا زمانی‌که شاهد باشیم آخرین ژنرال آمریکایی از بغداد خارج می‌شود. قرار است تظاهرات‌های ضد اشغالگری عراق در شهرهای اسپانیا از جمله مادرید و بارسلونا نیز برگزار شود. نیروهای آمریکایی و انگلیسی در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ تهاجم نظامی خود به عراق را آغاز کردند.

گزارشی از زندان‌های آمریکا در افغانستان

روزنامه‌ی نیویورک تایمز در گزارشی فاش کرد، پنتاگون زندان‌های آمریکا در افغانستان را توسعه می‌دهد. به نوشته‌ی روزنامه‌ی نیویورک



تایمز، وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، در حالی اقدام به گسترش زندان‌های افغانستان کرده که در حال حاضر صدها تن به صورت غیر قانونی و بدون تفهیم اتهام در این زندان‌ها بازداشت هستند. این روزنامه در ادامه‌ی گزارش خود آورده است: در حال حاضر نزدیک به ۵۰۰ زندانی به اتهام داشتن در عملیات‌های تروریستی و حملات علیه نیروهای بین‌المللی در افغانستان و دولت حامد کرزای، رییس جمهور این کشور در زندان‌های آمریکا بازداشت هستند.

نیویورک تایمز با اشاره به شرایط سخت و دشوار زندانیان در این زندان‌ها و شباهت آنها به زندان گوانتانامو نوشته است: به مسوولان وزارت دفاع آمریکا مجوز داده شده تا از این زندان‌ها به عنوان بهترین جایگزین برای زندان گوانتانامو در صورت افزایش اعمال فشارهای بین‌المللی برای بستن آن استفاده شود. به نوشته‌ی نیویورک تایمز، این زندان‌ها وضعیتی دشوارتر از گوانتانامو دارند و زندانیان در قفس‌های آهنی نگهداری می‌شوند و در شرایط سخت و دشوار به سر می‌برند و با آنها مثل حیوانات در باغ وحش رفتار می‌شود. بر اساس این گزارش، زندانیان زندان‌های افغانستان از نور خورشید محروم هستند و تنها زمانی می‌توانند نور خورشید را ببینند که همراه نگهبانان از سلول‌هایشان خارج می‌شوند. نیویورک تایمز هم چنین نوشته است: عدم نظارت بر وضعیت این زندان‌ها بدترین امر ممکن است.

بر اساس این گزارش تعداد زندانیان زندان بگرام از ۱۰۰ زندانی در سال ۲۰۰۴ به ۶۰۰ زندانی در اواخر سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

استقبال از دستگیری ملادیچ

خبر دستگیری راتکو ملادیچ یکی از جنایتکاران جنگی صرب مورد توجه روزنامه «زوددویچه سایتونگ» چاپ آلمان قرار گرفته بود. این روزنامه دستگیری ملادیچ را خبر خوبی برای صرب‌ها می‌داند و می‌نویسد: «آزاد بودن ملادیچ که جنایت‌های متعددی در جنگ بالکان مرتکب شده بود نقطه سیاهی برای این منطقه به شمار می‌رفت. حال دستگیری ملادیچ نوید آینده‌ای روشن‌تر را برای صربستان می‌دهد.» «فرانکفورتر آگماینه» دیگر روزنامه آلمانی نیز دستگیری



هولوکاست' جرم به شمار می رود و بنا به قوانین این کشور مجازات آن حداکثر ۱۰ سال حبس است. دستگیری و محاکمه این مورخ واکنش های دوگانه ای را به همراه داشته است. در حالی که بسیاری ناظران این اقدام مقام های اتریش را گامی موثر در فاصله گرفتن از پیشینه پرشش برانگیز این کشور در دوران جنگ دانسته اند، برخی دیگر با تکیه بر اصل 'آزادی بیان'، دادگاه آقای اروینگ را مورد سوال قرار داده اند.

کشته شدن حدود ۷۹۷ کودک فلسطینی از آغاز انتفاضه

به نوشته‌ی روزنامه‌ی السفير - چاپ لبنان - یک مرکز حقوقی فلسطینی گزارش داد: از آغاز انتفاضه فلسطین تاکنون حدود ۷۹۷ کودک فلسطینی که کمتر از ۱۸ سال سن



داشتند، بر اثر حملات نیروهای اسرائیلی کشته شدند. در این گزارش آمده است: شهادت کودکان فلسطینی نقض آشکار پیمان‌نامه‌ها و عرف بین‌الملل محسوب می‌شود و این در حالی است که نیروهای اشغالگر از انواع سلاح‌ها برای کشتار کودکان فلسطینی استفاده کرده‌اند که این امر علاوه بر صدها کشته، ده‌ها هزار مجروح نیز بر جای گذاشته است.

در گزارش مرکز حقوقی غزه بر اهمیت دخالت هرچه سریعتر جامعه‌ی بین‌المللی در خصوص اجرای توافقنامه‌ی ژنو ویژه‌ی حمایت از اطفال و حفظ حقوقشان تاکید شده است. وزارت کشور و امنیت ملی فلسطین نیز طی بیانیه‌ای اعلام کردند: ادامه حملات علیه غیر نظامیان فلسطینی در راستای حملات ظالمانه‌ی نیروهای اسرائیلی و تداوم سیاست‌های نادرست آنها صورت می‌گیرد.

تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

کشورهای عضو سازمان ملل متحد با اکثریت قاطعی تشکیل شورای جدید حقوق بشر که هدفش تقویت فعالیت ها برای جلوگیری از نقض

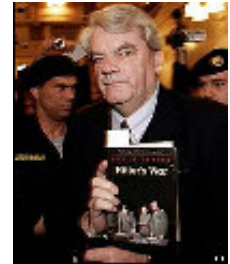


حقوق بشر در جهان است را تصویب کردند. ۱۷۰ کشور در جلسه رأی گیری روز چهارشنبه در سازمان ملل متحد به تشکیل این شورا رأی مثبت دادند؛ چهار کشور آمریکا، اسرائیل، جزایر مارشال

ملادیچ را قدم بزرگی از سوی ملی گرایان صربستان از جمله کاستونیکا نخست وزیر این کشور می داند. « فرانکفورتر آلگماینه » می نویسد: « ملادیچ هنوز هم از سوی بسیاری از صرب ها یک قهرمان ملی شناخته می شود. اما مقامات بلگراد با دستگیر کردن او کاری شجاعانه انجام دادند و اتحادیه اروپا نیز حمایت کامل خود را از این اقدام اعلام کرده است. » روزنامه انگلیسی « ایندپندنت » نیز عکس میلادیچ را در صفحه اول خود چاپ کرد و در گزارشی در این مورد دستگیری میلادیچ را پایان ده سال تعقیب و گریز برای بازداشت یکی از بزرگترین جنایتکاران جنگی قلمداد کرده است. « ایندپندنت » در انتهای گزارش خود اظهار امیدواری کرده که رادووان کارادزیچ یکی دیگر از جنایتکاران جنگی صرب که سال ها در اختفا به سر می برد نیز به دستیارش میلادیچ بپیوندد.

سه سال حبس برای مورخ 'منکر هولوکاست'

دیوید اروینگ، مورخ سرشناس بریتانیایی، به جرم انکار واقعه کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم (هولوکاست) در دادگاهی در وین، پایتخت اتریش، محکوم شناخته شده و به سه سال زندان محکوم شده است.



آقای اروینگ در خلال جلسه دادگاه اتهام وارد شده به خود را پذیرفته بود. ولی از اعلام رای دادگاه اظهار تعجب کرد: "من از این رای شوکه شده ام و حتما در مقابل آن تقاضای تجدید نظر خواهم کرد." وی به دادگاه گفت که در مورد انکار اتاق های گاز در اردوگاه آشویتس اشتباه کرده بوده است. او در ۱۹۸۹ در یک سخنرانی و یک مصاحبه در اتریش وجود 'اتاق های گاز' را در اردوگاه 'آشویتس' (Auschwitz) - که نازی ها برای کشتن دست جمعی از آن استفاده می کردند - منکر شده بود. "آنچه من گفته بودم بر اساس دانسته های من در آن زمان بود اما در ۱۹۹۱ وقتی به اوراق شخصی آیشمن برخوردم نظر پیشین خود را تکرار نکردم و امروز هم دیگر به آن معتقد نیستم."

پیشتر در گفتگویی با بی بی سی، وکیل مدافع این مورخ بریتانیایی پیش بینی کرده بود که موکلش گناهکار شناخته شود.

اما اگر آقای اروینگ گمان می برد که با انکار نظراتش بتواند از محکومیت بگریزد بر خطا بوده است. در اتریش 'انکار

کل سازمان ملل متحد، کسیکه می باید اعلام نماید که صندلی این عضو خالی است (بلامتصدی) را (از این موضوع) مطلع نماید.

۲- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس (کمیته) می باید بیدرنگ دبیر کل سازمان ملل متحد کسی که می بایست خالی بودن (بلامتصدی) صندلی را از تاریخ فوت یا تاریخ موثر استعفا اعلام نماید، مطلع گرداند.

ماده سی و چهارم

۱- هرگاه خالی بودن صندلی (بلا متصدی بودن) طبق ماده ۳۳ اعلام گردد و مدت زمان تصدی عضو جایگزین، ظرف ۶ ماه از تاریخ اعلام بلا متصدی بودن، منقضی نشده است دبیر کل سازمان ملل متحد به کشورهای عضو این پیمان اعلام خواهد نمود که (میتوانند) ظرف ۲ ماه بنا به ماده ۲۹ برای پرکردن صندلی خالی، نامزدهای خود را معرفی نمایند.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد فهرستی بترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که نامزد (عضویت در کمیته) میشوند، تهیه خواهد کرد و آنرا به کشورهای عضو این پیمان ارائه خواهد داد. انتخاب برای پرکردن صندلی خالی (بلامتصدی) بنا بر مقررات مربوطه این قسمت از میثاق حاضر، انجام خواهد گرفت.

۳- هر عضو کمیته ای که برای پرکردن صندلی خالی اعلام شده بنا بر ماده ۳۳ انتخاب شود، باید برای بقیه دوره عضوی که صندلی او بنا به مقررات آن ماده (۳۳) خالی بوده است، عضو کمیته گردد.

ماده سی و پنجم

اعضاء کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به شرایطی که مجمع عمومی تعیین میکند و با توجه به مسئولیتهای مهم کمیته، از منابع (مالی) سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.

ماده سی و ششم

دبیر کل سازمان ملل متحد کارمندان و تسهیلات لازم را برای اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این پیمان بعهده دارد، در اختیار (کمیته) خواهد گذاشت.

ماده سی و هفتم

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضاء اولین نشست کمیته را به

بقیه در صفحه ۲۵

و پالائو با آن مخالفت کردند و سه کشور نیز رأی ممتنع دادند. کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد که به شدت از تشکیل شورای حقوق بشر حمایت می کرد، با انتشار بیانییه ای اعلام کرد که تشکیل این شورا به سازمان ملل متحد این فرصت را می دهد تا در کار خود برای گسترش حقوق بشر در جهان، گام های جدیدی بر دارد. تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از ماه ها بحث به تصویب رسیده است.

'اعتبار جدید'

تمام اعضای سازمان ملل متحد موافق بودند که تشکیلات جدیدی باید جایگزین کمیسیون فعلی حقوق بشر آن سازمان شود که در سال های اخیر اعتبار خود را از دست داده است چون بعضی از اعضای آن متهم به نقض موازین حقوق بشر بودند.

عضویت در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای کشورهایمانند سودان، زیمبابوه، چین و کوبا موقعیتی را ایجاد می کرد تا از محکوم شدن در مجمع عمومی این سازمان مصون باشند. از این رو کوفی عنان سال گذشته پیشنهاد انحلال کمیسیون حقوق بشر و جایگزینی شورای حقوق بشر را مطرح کرد تا اعضای آن بجای انتخاب از سوی گروه های منطقه ای، از سوی همه اعضای سازمان ملل متحد انتخاب شوند.

از سوی دیگر، با این که عضویت در کمیسیون حقوق بشر قابل تعلیق نیست، امکان تعلیق عضویت کشورها در شورای حقوق بشر در صورت مشاهده موارد خلاف از سوی اکثریت اعضای سازمان ملل متحد وجود دارد. اما ایالات متحده از ابتدا بر کافی نبودن این تغییرات تاکید داشته است و جان بولتون نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد گفته است که باید مکانیسم قوی تری برای انتخاب اعضای شورا وجود داشته باشد تا به آن نهاد اعتبار بدهد.

با این حال، آقای بولتون گفت آمریکا تلاش خواهد کرد که این شورا به صورت نهاد مؤثری درآید. کوفی عنان هم گفت اگر اعضای سازمان ملل متحد برحسب تعهدات خود عمل کنند، او مطمئن است که شورای حقوق بشر به بهبود زندگی میلیون ها نفر در سراسر جهان کمک خواهد کرد.

بقیه از صفحه آخر - ماده سی و سوم

۱- هرگاه اگر یک عضو کمیته انجام وظائف خود را به هر علتی به جزء غیبت موقت، قطع نماید (و این عمل) به اتفاق آراء (مورد تصدیق) سایر اعضاء کمیته باشد، رئیس کمیته می بایست دبیر

عبدالکریم لاهیجی

آزادی وجدان



نخستین معنای وجدان، درک و آگاهی انسان از نفس و حیات خویش است. اما مراد از آزادی وجدان، معنای دیگر آن یعنی آزادی اندیشه، اعتقاد و مذهب است که در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تصریح قرار گرفته: "هر کس حق دارد که از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار شود." سپس مصادیق این آزادی تشریح می شود و از آن جمله اند: آزادی تغییر مذهب یا اعتقاد، آزادی تظاهر مذهب یا اعتقاد. در باره چگونگی تظاهر مذهبی یا اعتقادی هم بنا بر تفصیل گذارده شده: فردی و جمعی، در خلوت یا علنی، از طریق آموزش، از طریق برگزاری مراسم و تشریفات مذهبی.

بدین سان هیچ نکته ای فروگذار نشده و فکر و اعتقاد و مذهب انسانی به منزله اموری وجدانی و معنوی مورد احترام قرار گرفته و از هر گونه دخالت و تجاوزی مصون و محفوظ مانده اند. تجربه فاجعه بار جنگ های مذهبی و فرقه ای در خاطر نویسندگان اعلامیه اثر گذارده و به تکرار در کنار مذهب، اعتقاد و ایمان (conviction) را هم آورده اند. در این ماده به آزادی نظر و عقیده (opinion) نپرداخته اند. آزادی عقیده و بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده. ماده ۱۸ از نظر و عقیده فراتر می رود و از اندیشه، اعتقاد، ایمان و وجدان یاد می کند. همه جا در کنار مذهب از اعتقاد هم نام می برد تا مجالی برای سوء تعبیر یا سوء استفاده باقی نگذارد. زیرا که اعتقاد عام تر از مذهب است. اعتقاد ممکن است که در مذهب تجلی کند ولی هر اعتقادی مذهب به شمار نمی رود. مثلاً مخالفت با جنگ دلایل اعتقادی، فلسفی، مذهبی و سیاسی گوناگون دارد. اما به گروهی از این مخالفان عنوان "معترضان به خاطر وجدان" (objecteur de conscience) را داده اند. یعنی، کسانی که به خاطر اعتقاد خود که ارزش جان انسان را مافوق هر ارزش دیگری می داند، نه به روزگار جنگ به جبهه می روند و نه به دوران صلح به خدمت سربازی. به باور این عده اعتقاد و وجدانشان چنین اجازه ای را به آنان نمی دهد که در صدد کشتن دیگری باشند یا اینکه خود را آماده برای جنگ و خونریزی کنند. برخی از اینان ممکن است که

ایمان مذهبی هم داشته باشند. ولی چنان اعتقادی را فراتر از مذهب خود و امری وجدانی می دانند.

در ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی اندیشه، وجدان، مذهب و اعتقاد در کنار یکدیگر ذکر شده اند. سپس اضافه شده است که "هیچ کس نبایستی به خاطر داشتن یا پذیرفتن اختیاری یک مذهب یا یک اعتقاد زیر فشار گذاره شود."

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر چند در ۱۹۶۶ از تصویب مجمع عمومی گذشت، ولی از ۲۴ مارس ۱۹۷۶ به مورد اجرا گذارده شد. اما ابعاد تبعیض مذهبی و نابرابری حقوقی به لحاظ اعتقادی چنان گسترده بودند که مجمع عمومی سازمان ملل، در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ اعلامیه الغای هر گونه نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقاد را تصویب کرد.

در ماده ۱ این اعلامیه، همچنان آزادی اندیشه، وجدان و مذهب در کنار هم آمده اند. ولی برای جلوگیری از القای شبهاتی از این قبیل که "تعریف مذهب چیست" و "مذهب را از غیر آن باید فرق گذارد"، در این ماده به صراحت گفته اند که "این حق شامل آزادی داشتن یک مذهب یا هر گونه اعتقادی است که انسان برای خویش برگزیند."

در ماده ۲ این اعلامیه، هر گونه محرومیت، محدودیت، تفاوت یا امتیاز مبتنی بر مذهب یا اعتقاد در عرصه برخورداری و اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی، از مصادیق نابردباری و تبعیض به شمار آمده اند. در ماده ۳، تبعیض حقوقی بر اساس مذهب یا اعتقاد به منزله تجاوز به کرامت و منزلت انسان تلقی شده که هم در تضاد با منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق بشر است و هم بزرگترین مانع در راستای تحقق روابط دوستانه و مسالمت آمیز بین ملت ها محسوب می شود. میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس قانونگذاری ایران رسیدند و از آن زمان کشور ایران به عنوان متعهد این دو میثاق به شمار می آید. بر طبق اصول حقوق بین الملل عمومی، اجرای هر عهدنامه بین المللی تا زمانی که یک دولت انصراف رسمی خود را از وابستگی به آن عهدنامه اعلام نکند، تعهد آن دولت در قبال جامعه بین المللی تلقی می شود. وابستگی به عهدنامه های راجع به حقوق بشر و از آن جمله میثاق

حق آموزش در مدارس و دانشگاه ها، حق اشتغال در مؤسسات دولتی و بسیاری از حقوق و آزادی های دیگر از همین مقوله اند. طرفه اینکه در اصل ۱۴ دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. ولی این مفاهیم مجرد و مبهم هرگز نه تعریف شده اند و نه در عمل مجوز و مستند رعایت حقوق غیر مسلمانان بوده اند.

آزادی تغییر مذهب هم برای مسلمان نه تنها به رسمیت شناخته نشده که جزای آن مرگ است. در حالی که ایرانیان غیر مسلمان که اسلام می آورند، از حقوق بیشتری برخوردار می شوند. بدین سان به جای آزادی اعتقاد و مذهب، برخورداری از حقوق و آزادی ها تابع متغییر مذهب است.

بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی، همچنان که عملکرد حکومت ایران، با اعلامیه الغای هر گونه نابرابری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقاد هیچ گونه سازگاری ندارد. ولی از آنجا که مجمع عمومی سازمان ملل در مقدمه این اعلامیه اراده راسخ خود را بر اتخاذ تدابیر ضروری در راستای امحای هر گونه تبعیض مذهبی و اعتقادی اعلام کرده بود، کمیسیون حقوق بشر گزارشگر ویژه ای را برای بررسی و تحقیق و گزارش وضعیت آزادی مذهب و اعتقاد و بردباری مذهبی و اعتقادی در کشورهای گوناگون برگزید، آن هم گزارشگری از یک کشور اسلامی و مسلمان [تونس]. در همین راستا عبدالفتاح امور در آذر ۱۳۷۴ راهی ایران شد و دو ماه بعد گزارش خویش را به کمیسیون حقوق بشر تقدیم کرد. این گزارش پس از گذشت ده سال همچنان تازگی دارد، زیرا که در عرصه آزادی وجدان در جمهوری اسلامی، چه در قلمرو قانونگذاری و چه در حوزه عملی، هیچ گونه تحولی صورت نپذیرفته است.

عبدالفتاح امور حکومت دینی را از دین حکومتی تفکیک می کند: "مذهب دولتی یا دین یک دولت یا کشور تضاد ذاتی با حقوق بشر ندارد. از این رو پذیرش یک دین رسمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نایستی موجب اختلال حقوق اقلیت ها که ناشی از شهروند بودن آنان است بشود. حقوق شهروندی ایجاب می کند که اصل عدم تبعیض حقوقی بین شهروندان بر ملاحظات اعتقادی یا مذهبی، استوار نباشد. بنابراین اصطلاح «موازین اسلامی» که در اصل چهارم قانون اساسی ذکر شده، گذشته از

های بین المللی حقوق بشر، ایجاب می کند که هم قوانین اساسی و عادی کشور متعاقد به مفاد آن میثاق ها مطابقت داده شوند و هم حقوق و آزادی های اساسی درباره همه شهروندان آن کشور مورد شناسایی و رعایت قرار گیرند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق بشر و آزادی های اساسی به روایت میثاق های بین المللی حقوق بشر، مورد شناسایی قرار نگرفته اند. اساس حقوق بشر بر برابری حقوقی فارغ از دین، نژاد، جنس، رنگ، عقیده، موقعیت اجتماعی و اقتصادی ... استوار است اما قانون اساسی جمهوری اسلامی تبعیض آمیز است و در آن نه حقوق مسلمان با غیر مسلمان برابر است، نه حقوق زن با مرد؛ نه حقوق فقها با غیر فقها... بدین سان نه از آزادی وجدان ذکری رفته است و نه به آزادی مذهب اشارتی. در اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دین رسمی ایران اسلام و مذهب شیعه جعفری دوازده امامی است. ذیل این اصل به پیروان دیگر مذاهب اسلامی اختصاص داده شده که "در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند." اما از حق تظاهر مذهبی فردی یا جمعی صحبتی نشده. آیا یک ایرانی سنی مذهب می تواند به گونه ای علنی تبلیغ مذهبی کند و از حقانیت ابوبکر و عمر یاد کند؟ در اصل ۱۳ از سه اقلیت دینی به قید انحصار یاد می شود که "در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند." این سه اقلیت به مراتب حق تظاهر و تبلیغ ندارند. کشیشان کلیسای انجیلی که ربوده شدند و به قتل رسیدند، گناه دیگری جز این گونه تبلیغات نداشتند. انحصار عنوان "اقلیت شناخته شده" به زرتشتیان و کلیمیان و مسیحیان، وضعیت پیروان مذاهب و معتقدات دیگر را به معضلی اجتماعی مبدل کرده است. هزاران ایرانی در یک خلاء حقوقی روزگار می گذرانند. یک بهایی نه تنها از حقوق سیاسی و اجتماعی که از حقوق و آزادی های مدنی هم برخوردار نیست. مگر آنکه ایمان خود را کتمان کند. ایرانیان صابئی و پیروان دیگر اقلیت ها هم وضعیت مشابهی دارند. حقوق مدنی ایران، به ویژه حقوق خانواده، از فقه شیعه اقتباس شده اند. از این رو پیروان دیگر مذاهب اسلامی، همچنانکه پیروان سه اقلیت شناخته شده، در احوال شخصی [ازدواج، طلاق، ارث و وصیت] تابع قواعد مذهبی خویش هستند. اما تکلیف پیروان اقلیت های شناخته نشده چیست؟ یا بایستی خود را به دروغ مسلمان معرفی کنند و یا از حقوق و آزادی های مدنی محروم می مانند.

پایتخت این کشور را تعطیل کرد و به پزشکان دستور داد با شکستن «سوگند پزشکی» خود، از سیاست های وی پیروی کنند.

۹- ایران، سید علی خامنه ای. سن ۶۶ سال. از سال ۱۹۸۹ در قدرت است. رتبه سال گذشته ۱۸ بود. حاکمان ایران در ۴ سال گذشته اصلاحاتی که در حال نضج گرفتن در کشور بود را از بین بردند. تندروها این حرکت عقب گرایانه را با پیروزی در در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۴ (بعد از حذف کردن ۴۴ درصد داوطلبان شرکت در انتخابات) و با به ریاست جمهوری رساندن احمدی نژاد در ۲۰۰۵ کامل کردند. با اینحال در نهایت کشور بوسیله ۱۲ مرد شورای نگهبان که تحت نظارت خامنه ای است اداره میشود و او حق وتو کردن هر قانونی که دولت قانونی از تصویب بگذراند را دارا میباشد. خامنه ای مطبوعات آزاد را توقیف، روزنامه نگاران را شکنجه کرد و دستور اعدام همجنس بازان را صادر نمود.

در نهایت کشور (ایران) بوسیله ۱۲ مرد شورای نگهبان که تحت نظارت خامنه ای است اداره میشود و او حق وتو کردن هر قانونی که دولت قانونی از تصویب بگذراند را دارا میباشد. خامنه ای مطبوعات آزاد را توقیف، روزنامه نگاران را شکنجه کرد و دستور اعدام را صادر نمود.

۱۰- «تئودور اوبیانگ انگوما» رئیس جمهور گینه استوایی که از سال ۱۹۷۹ مسول هدایت این کشور است، رتبه دهم را در بین ۱۰ دیکتاتور برتر جهان به خود اختصاص داده است. اوبیانگ ۶۳ ساله، ۲۵ سال گذشته پس از پسر عموی خود توانست زمام امور این کشور کوچک آفریقایی را در دست بگیرد. طبق گزارش بازرسان سازمان ملل متحد، شکنجه یک ابزار معمولی در بازجویی های این کشور محسوب می شود. در گینه استوایی، آزادی بیان، کتابفروشی و یا روزنامه وجود ندارد و تنها رادیوی خصوصی این کشور متعلق به پسر اوبیانگ است. از زمان کشف نفت در سال ۱۹۹۵، اوبیانگ حدود ۷۰۰ میلیون دلار در بانک های آمریکایی پس انداز کرده و این درحالی است که ساکنان این کشور با حقوق کمتر از یک دلار زندگی می کنند.

آنکه بایستی به موجب قانون به گونه ای دقیق تعریف شود، نمی تواند منشاء تبعیض بین شهروندان باشد.

او سپس تصویر اسفناکی از وضعیت اقلیت های مذهبی، به ویژه بهاییان، ارائه می دهد. مردمانی که در کشور خود و زیر لوای حکومت مذهبی، به لحاظ نبود مدارای دینی و اعتقادی و برابری حقوقی، هر روز بیش از پیش احساس بیگانه بودن می کنند و به مرور ایام ناگزیر و ناچار از جلای وطن می شوند.

طرفه اینکه رئیس جمهور ایران برای مسلمانان مقیم کشورهای اروپایی نگران است و پیشنهاد می کند که هیأتی از کارشناسان خویش را برای رسیدگی به وضعیت مسلمانان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا اعزام نماید: در اتحادیه اروپا بیش از ۱۵ میلیون مسلمان زندگی می کنند که یا شهروند هستند و یا اجازه اقامت دارند و برخی هم بدون پروانه اقامت روزگار می گذرانند. ما مدافعان حقوق بشر با تأیید و تأکید بر همه انتقادهایی که درباره شرایط زندگی گروه های بزرگی از خارجیان و از جمله مسلمانان در این کشورها داریم (و اتفاقاتی چون شورش های چند ماه پیش فرانسه را هم موید وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی آنان می دانیم)، نمی توانیم واقعیات را هم منکر شویم و از جمله:

۱- در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، اصل برابری حقوقی، حداقل در عرصه نظری و در قوانین اساسی و عادی این کشورها پذیرفته شده و تبعیض حقوقی بر اساس مذهب و اعتقاد و جنس و نژاد و عقیده سیاسی در قوانین و نظام سیاسی این کشورها جایی ندارد.

۲- هیچ انسانی زاد و بوم و دیار و وطن خود را ترک نمی گوید، مگر آنکه به لحاظ فقدان امنیت و آزادی و نداشتن حداقل معیشت ناگزیر به مهاجرت شود.

ای کاش دولتمردان کشورهای اسلامی به جای لافزنی و سفسطه و مغالطه، عزم خویش را در راستای اعاده حقوق و آزادی های مردمان و بهبود وضعیت زندگی آنان جزم می کردند، تا پدیده ای به نام مهاجرت یا پناهندگی، حداقل در ابعاد و گستردگی کنونی، به مرور از عرصه زندگی بشر محو شود.

بقیه از صفحه ۱۲

تعطیل کرده است. نیازأف با اخراج ۱۵۰ هزار تن از کارمندان بخش بهداشت این کشور، گروهی از مددکاران بی تجربه ارتش را در سمت های پزشکی گمارد. وی تمامی بیمارستان های خارج از

۱۰ دیکتاتور امروز جهان

سید علی خامنه ای در ردیف نهم قرار دارد



مجله هفتگی پاراد (PARADE) در گزارشی به بررسی فهرست رهبران دیکتاتور جهان پرداخت و در گزارش خود، تأکید کرده است که دیکتاتورهای جهانی حکومت مستبد خود را بر روی مردمان خود تمرین می کنند و نمی توان آنان را با ابزارهای قانونی از حکومت خلع کرد و این حقیقت انکارناپذیر نقض حقوق بشر در جهان است.

در این گزارش این مجله که یکشنبه هر هفته منتشر می شود، نام بسیاری از دیکتاتورهای جهان آورده نشده است اما این بدان معنا نیست که آنان از مواضع حکومتی خود کوتاه آمده اند بلکه رهبران دیگری در جهان، با نقض حقوق بشر از آنان پیشی گرفته اند و رتبه های بهتری را در فهرست دیکتاتورهای جهان به خود اختصاص داده اند.

به نوشته این مجله، فهرست دیکتاتورهای برتر جهان طبق گزارش های سازمان های بین المللی نظیر «کمیته بازرسان حقوق بشر»، «سازمان گزارشگران بدون مرز» (RSF) و «خانه آزادی» تهیه شده است.

در این گزارش آمده است: در حال حاضر دیکتاتورهای جهانی حکومت مستبد خود را بر روی مردمان خود تمرین می کنند و نمی توان آنان را با ابزارهای قانونی از حکومت خلع کرد و این حقیقت انکارناپذیر نقض حقوق بشر در جهان است.

سه دیکتاتور برتر جهان در سال گذشته میلادی همچنان به تجاوزهای خود ادامه می دهند و در لیست سال ۲۰۰۶ نیز یکه تاز هستند، ولی «پرویز مشرف» رئیس جمهور پاکستان و «معمر القذافی» رهبر حکومت لیبی در لیست ۱۰ دیکتاتور برتر جهان قرار نگرفته اند؛ این بدان معنا نیست که آنان از مواضع حکومتی خود کوتاه آمده اند بلکه رهبران دیگر جهان با نقض حقوق بشر از آنان پیشی گرفته اند.

۱- «عمر البشیر» رهبر ۶۲ ساله سودان که از تاریخ ۱۹۸۹ میلادی حکومت را در دست دارد، همچنان در صدر این لیست قرار دارد. از فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی به خاطر مبارزات قومی و مذهبی، البشیر حدود ۱۸۰ هزار فرد بی گناه در دافور واقع در جنوب سودان کشته و بیش از ۲ میلیون نفر نیز بی خانمان شدند. ولی خوشبختانه ارتش عمر البشیر و گروه های شبه نظامی دارفور مدتی است که از آتش زدن روستاهای این منطقه دست کشیده اند. گزارش ها حاکی است که اکنون به اردوگاه ها حمله می شود و در حالی که بیشتر رسانه ها این اقدام را یک «تراژدی انسانی» نامیدند، عمر البشیر از پذیرش هرگونه مسؤلیت شانه خالی می کند.

در سال گذشته میلادی، البشیر با امضای قرارداد صلح با گروه های شورشی در جنوب این کشور به رهبر آنان «جان گرانگ» اجازه داد تا به عنوان سخنگوی ملی مذاکره کند ولی گرانگ در جولای همان سال بر اثر سقوط هلی کوپتر کشته و البشیر همچنان به اشغال سرزمین های جنوبی ادامه می دهد.

۲- «کیم جونگ ایل» رهبر ۶۳ ساله کره شمالی که از سال ۱۹۹۴ قدرت را در دست دارد، پس از البشیر در رتبه دوم جای گرفته است. زمانی که بسیاری از رهبران جهان تلاش خود را بر قطع برنامه های هسته ای این کشور متمرکز کرده اند، وی به شدت مردم خود را کنترل می کند.

کره شمالی همچنان در آخرین لیست شاخص آزادی مطبوعات قرار دارد و براساس گزارش خانه آزادی، این کشور برای سی و چهارمین سال پیاپی به عنوان بدترین قدرت از نظر آزادی های سیاسی و مدنی شناخته شده است.

در حال حاضر تخمین زده می شود که ۲۵۰ هزار نفر از مردم این کشور در اردوگاه ها در بازداشت به سر می برند و بنابر گزارش سازمان جهانی خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، بسیاری از مردم کره شمالی از سوء تغذیه رنج می برند. بنابراین گزارش، میانگین قد کودکان ۷ ساله کره شمالی نسبت به کودکان کره جنوبی تقریباً ۱۶ سانتی متر کوتاهتر و وزن آنها حدوداً ۱۰ کیلوگرم کمتر است.

۳- در رتبه سوم این فهرست، «تان شو» رهبر ۷۲ ساله برمه (میانمار) که از سال ۱۹۹۲ زمامدار این کشور است، قرار دارد. وی در سال ۲۰۰۵ میلادی بدون هیچ ترسی اعلام کرد که دولت خود را از «رانگون» که به مدت ۱۲۰ سال پایتخت این کشور بوده

حقوق بشر قرار داشت. اگر چه بسیاری از مردم چین از مزایای آزادسازی اقتصادی در این کشور بهره برده و ثروتمند شدند، حدود ۱۵۰ میلیون تن از چینی‌ها اکنون با حقوق کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. در حال حاضر بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار مخالف سیاسی بدون هیچ محاکمه در زندان‌های چین به‌سر می‌برند و تنها ۵ درصد از دادگاه‌های این کشور با حضور شاهدان برگزار می‌شود و میزان جنایات در این کشور به مرز ۹۹ درصد رسیده است. هیچ رادیو تلویزیون خصوصی در این کشور وجود ندارد و دولت چین به شدت مطبوعات، ای‌میل‌ها، گف‌ت‌و‌گوه‌ای تلفنی و فکس‌ها را کنترل می‌کند و برای برگزاری المپیک ۲۰۰۸ در این کشور حداقل ۴۰۰ هزار نفر از مردم پکن از خانه‌های خود بیرون رانده خواهند شد.

۷- پادشاه ۸۲ ساله عربستان سعودی که از سال ۱۹۹۵ تاکنون، به دلیل بیماری ملک «فهد بن عبدالعزیز آل سعود» زمام این کشور را برعهده دارد، در فهرست رهبران دیکتاتور جهان رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است. ملک «عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود» پس از مرگ فهد در سال ۲۰۰۵ میلادی توانست به طور رسمی قدرت را در این کشور برعهده بگیرد.

مذاکرات تلفنی در این کشور ضبط می‌شود و استفاده از تلفن‌های همراه دوربین‌دار در این کشور ممنوع است. مردم عربستان سعودی اجازه صحبت با رسانه‌های خارجی ندارند و تمامی شهروندان یک کشور باید مسلمانان باشند و طبق گزارش‌های بین‌المللی، پلیس عربستان اجازه دارد که خلافکاران این کشور را بدون محاکمه، مجازات کند. زنان عربستان نمی‌توانند با مردانی که خویشاوند آنان نباشند، در خیابان رفت و آمد کنند و حقوق زنان در این کشور رعایت نمی‌شود.

۸- «صفر مراد نیازاف» رهبر ۶۵ ساله ترکمنستان که در سال گذشته رتبه هشتم را در این لیست به خود اختصاص داده بود، همچنان در جایگاه هشتم ایستاده است. وی که از سال ۱۹۹۰ میلادی رئیس‌جمهور ترکمنستان است، شدیدترین قوانین را در کشور خود اجرا می‌کند. به طور مثال می‌توان به ممنوعیت استفاده از رادیو در اتومبیل در خیابان‌ها و یا ممنوعیت پخش موسیقی از طریق تلویزیون و یا حتی در مجالس عروسی اشاره کرد. وی همچنین تمامی پارک‌های ملی و کتابخانه‌ها در این کشور را

است، به «پیان‌مانا» منتقل می‌کند. برمه در جهان به استفاده از کودکان به عنوان سرباز معروف است و رهبران برمه کارگران را به شرکت در بازسازی‌های این کشور مجبور می‌کنند. دولت برمه، «آنگ سان سوکی» برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۱ میلادی را دستگیر کرده و تان شو به عنوان شدیدترین مخالف وی، مدت بازداشت وی را شش ماه افزایش داد.

۴- «رابرت موگابه» رهبر ۸۱ ساله زیمبابوه که در سال گذشته رتبه نهم را به خود اختصاص داده بود، در مقام چهارم این لیست جای گرفته است. زندگی در زیمبابوه هر روز بدتر می‌شود و این کشور با بالاترین میزان تورم (حدود ۸۰ درصد) بیشترین میزان بیکاری و بالاترین رقم مبتلایان به ایدز در جهان را به خود اختصاص داده است. میزان طول عمر در این سرزمین از سال ۱۹۸۹ میلادی تاکنون از ۶۲ به ۳۸ سال کاهش یافته است.

از زمانی که موگابه اعلام کرد که متحدان سیاسی وی نباید پیشینه کشاورزی داشته باشند، این صنعت با شکست روبه‌رو شد و با اجرای طرح «حذف فساد» حدود ۷۰۰ هزار تن مجبور به ترک خانه و یا شغل‌هایشان شدند. در آن زمان مقامات محلی اعلام کردند که این اقدام دولت زیمبابوه برای سرکوبی اعتراضات اقتصادی بوده است.

۵- «اسلام کریم‌اف» رئیس‌جمهور ۶۷ ساله ازبکستان رتبه پنجم این فهرست را به خود اختصاص داده است. وی که از سال ۱۹۹۰ میلادی زمام قدرت را به دست گرفته است، در گزارش سال گذشته در رتبه پانزدهم جای داشت. دولت کریم‌اف تا سال ۲۰۰۵ میلادی، زندانیان خود را به شدت شکنجه می‌کرد ولی در ۱۳ می سال گذشته میلادی وی دستور کشتار بسیاری از زندانیان این کشور را صادر کرد. در حال حاضر در شهر «آندیجان» این کشور، حدود ۲۳ تاجر در زندان به‌سر می‌برند و منتظر آغاز دادگاه محاکمه خود هستند. حدود ۱۰ هزار نفر از مردم ازبکستان برای بازگرددن مشکلات خود به مقامات این کشور در محلی تجمع کردند ولی کریم‌اف ارتش را به آنجا فرستاد و شماری از مردان زنان و کودکان کشته شدند. در سال ۲۰۰۳ میلادی طبق طرح ارائه شده توسط کریم‌اف، وی و خانواده‌اش از بازجویی مصون شدند.

۶- «هو جین‌تائو» رئیس‌جمهوری ۶۳ ساله که از سال ۲۰۰۲ تاکنون عهده‌دار مسؤولیت در جمهوری خلق چین است، در رتبه ششم قرار دارد. وی در سال گذشته نفر چهارم لیست ناقضان

بهرام محیی

فلسفه‌ی حقوق بشر (گفتار چهاردهم)

حقوق اساسی و حقوق شهروندی



در ادبیات مربوط به حقوق بشر، معمولاً در کنار مفهوم «حقوق بشر»، به دو مفهوم «حقوق اساسی» و «حقوق شهروندی» نیز برمی‌خوریم. این سه مفهوم، گاهی به صورت مترادف و گاهی به جای یکدیگر و به صورت جانشین برای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما در تفکیک مفهومی، لازم است مرزهای ظریف میان این مفاهیم سه گانه و دلالت موضوعی هر یک را در نظر داشت. در این گفتار تلاش خواهیم کرد تا مرزها و نیز فصول مشترک میان حقوق بشر، حقوق اساسی و حقوق شهروندی را روشن کنیم.

الف - حقوق بشر: گفتیم که حقوق بشر، به مثابه عالی‌ترین هنجار حقوقی فهم می‌شود که نسبت به حقوق موضوعه (یعنی حقوق وضع شده توسط انسان) و نیز حقوق شخصی (که آن را حقوق ذهنی یا باطنی نیز می‌نامند)، در مرتبه‌ی والاتری قرار دارد. سکوی حرکت برای توصیف حقوق بشر، همانا حرمت انسان است، که نه قابل انتقال و واگذاری است و نه صرفنظر کردنی. در فلسفه‌ی حقوق بشر در فرهنگ مغرب زمین، چنین حقوقی از بدو زایش همراه انسان است و به منزله‌ی «حقوق طبیعی» وی محسوب می‌گردد. این پیوند تنگاتنگ میان «حقوق بشر» و «حقوق طبیعی»، نیاز به درنگی بیشتر بر مفهوم دوم را ناگزیر می‌سازد. در توضیح حقوق طبیعی می‌توان گفت که به آن مجموعه حقوقی اطلاق می‌گردد که در ذات هر فرد انسانی و به مثابه بنیاد طبیعت وی مستتر است و همراه او زاده می‌شود. بنابراین هر انسانی از منظر حقوق طبیعی، از حقوقی مساوی با دیگران برخوردار است. در ادبیات مربوط به حقوق بشر، حقوقی مانند حق زندگی، حق خدشه ناپذیری جسمی و نیز حق آزادی فردی را حقوقی طبیعی و همزاد فرد انسانی می‌دانند. حقوق طبیعی، به این معناست که چنین حقوقی در همبود انسانی که دربرگیرنده‌ی جامعه و دولت است، نه به صورت حقوقی موضوعه، بلکه اساساً به مثابه حقوقی پیشینی و نهفته در ذات انسان برآمد می‌یابد. لذا حقوق بشر، حقوقی نیست که دولت یا نهادی بتواند یا بخواهد آنرا

چونان موهبتی به کسی اعطا کند، بلکه دولت یا هر نهاد دیگری صرفاً می‌تواند آن را به رسمیت بشناسد یا نشناسد.

ب - حقوق اساسی: باید اضافه کرد که همزیستی انسانها بر پایه‌ی قوانین حقوق بشری، تنها در زمانی میسر خواهد بود که هر فرد انسانی، حقوقی را که خود مدعی برخورداری از آن است، در مورد دیگران نیز به رسمیت بشناسد و در راه استقرار آن تلاش کند. حال اگر بپذیریم که ارزشهای توصیف شده در موازین حقوق بشری، مهمترین پیش شرط همزیستی میان انسان هاست، می‌توانیم به ضرورت و اهمیت انتقال این ارزشها و موازین به گستره‌ی قانونگذاری همبودهای انسانی پی ببریم.

در تعریف حقوق اساسی می‌توان گفت که این حقوق همانا انتقال ارزشهای حقوق بشری به درون میثاقهای قانونی و حقوقی همبودهای انسانی است. به عبارت دیگر، حقوق اساسی چیزی نیست جز برگردان ارزشهای حقوق بشری به صورتی از حقوق مشخص و مدون و تصویب آنها در قوانین اساسی کشورهای گوناگون. بدینسان است که حقوق اساسی مصرح در قانون اساسی یک کشور، معیاری برای میزان وفاداری آن کشور به رعایت موازین حقوق بشر به دست می‌دهد و بطور همزمان به آنچنان سنجیدار حقوقی و اخلاقی برای دولت آن کشور تبدیل می‌گردد که می‌بایست مطابق آن، حقوق افراد، گروه‌ها و یا حوزه‌های کاملی از حیات اجتماعی را تضمین نماید. برای روشن تر شدن موضوع، نمونه‌ای به دست می‌دهیم: حق آزادی فرد و برابری میان انسانها، جزو حقوق بشر، در شکل انتزاعی آن است. برگردان و صورت مشخص آن در قوانین اساسی کشورهای دمکراتیک، حق انتخابات آزاد است. در این رابطه است که روشن می‌شود که انتخابات آزاد نه فقط به مثابه حق تعیین سرنوشت سیاسی، حق افراد را برای مشارکت سیاسی فراهم می‌آورد، بلکه همچنین به عنوان عنصری بنیادگذار یا مؤسس در نظام سیاسی، غیر قابل چشم پوشی است. حقوق اساسی را معمولاً به چهار دسته تقسیم بندی می‌کنند: ۱- حقوق مربوط به آزادیها. ۲- حقوق مربوط به برابریها. ۳- حقوق مربوط به محکمه‌ها. ۴- ضمانت‌های نهادی.

دسته‌ی اول یعنی حقوق مربوط به آزادیها، حقوقی مانند آزادی اعتقاد و وجدان، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی شغلی، آزادی پژوهش علمی، آزادی اجتماعات، آزادی سفر، مصونیت مراودات پستی و مصونیت منزل مسکونی از تعرض دیگران را دربر می

شکل «ملی» به خود گیرد و فقط شامل حال شهروندان کشوری خاص گردد. این بخش را حقوق شهروندی می نامند. برای نمونه، در کشور آلمان، همه ی شهروندان این کشور که تابع دولت آلمان هستند، از حق مشارکت سیاسی و انتخابات آزاد برخوردارند، ولی بیگانگان ساکن این کشور که تابع دولتهای دیگرند، از چنین حقی برخوردار نیستند و نمی توانند از طریق نهادهای قانونی، مطالبه ی آن را پیگیری کنند. بنابراین شاید بطور خلاصه بتوان گفت که حقوق شهروندی، آن بخش از حقوق اساسی است که رنگ تعلق و وابستگی ملی به خود گرفته است.

بقیه از صفحه ۱۵

مبارزات گسترده ای توسط زنان برای دست یافتن به برابری واقعی حقوق جنسیتی آغاز شد که نهایتاً این مبارزات منجر به تشکیل کنفرانس جهانی سازمان ملل با موضوع حقوق بشر در سال ۱۹۷۹ شد. در این کنفرانس رسماً اعلام شد که لازم است حقوق زنان به عنوان حقوق بشر درک شود و خشونت های مبتنی بر جنسیت زنانه به عنوان خشونت علیه بشر شناخته شود. به این ترتیب چارچوب های اعلامیه حقوق بشر با افزودن حقوق بشر زنان در میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ابعاد جدید و گسترده تری یافت. من معتقدم میثاق رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در واقع تفسیر زنانه از نهاد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. هرچند که در کلیت اعلامیه جهانی حقوق بشر، انسان به طور سمبلیک محترم شمرده می شود و ماده ۲ اعلامیه بر عدم تبعیض و تمایز جنسی تاکید دارد، اما در مورد حقوق زنان دارای نقایصی است که می بایست آنها را به وضوح به جهانیان شناساند. دیده بانان و زنان مدافع حقوق بشر نشان دادند که حوزه عمومی جهان عملاً در حیطه اقتدار مردان قرار دارد. مناسبات حاکم، عموماً خصلت پدرسالارانه داشته و تفاسیری که از آنها صورت می گیرد به شدت مردسالارانه است و حقوق زنان در حوزه های اساسی زندگی زنان یعنی زندگی خانوادگی و حوزه رفتار های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی چنین مجامعی تحت تاثیر تفاسیر و اقتدار مردانه در حاشیه قرار گرفته و عملکرد نقض می شود. در حالی که زن نیز چون مرد انسان است و انسان به دلیل انسان بودن محترم است و حقوقش بایست محترم شمرده شود، خواه نخبه باشد خواه عوام. همان طور که برای حقوق مردان و تحقق آنها پیش شرط و پیش نیازی نگذاشته اند، رعایت حقوق زنان نیز پیش شرط و پیش نیاز لازم ندارد.

گیرد. باید افزود که حقوق بشر ملهم از حقوق طبیعی یا «حقوق بشر مطلق» مانند حق زندگی و خدشه ناپذیری فیزیکی فرد نیز در اکثر قوانین اساسی کشورهای دمکراتیک، زیر همین دسته از حقوق قرار می گیرد. دسته ی دوم یعنی حقوق مربوط به برابریها، حقوقی مانند برابری کامل شهروندان در مقابل قانون، برابری جنسی، ممنوعیت تهمت و افترا به دیگران، ممنوعیت خودسری و نیز برخورداری هر فرد از فقط یک حق رأی را دربر می گیرد.

دسته ی سوم یعنی حقوق مربوط به محکمه ها، شامل حقوقی است که برای هر فرد در صورت درگیری قضایی، حق برخورداری از یک محکمه ی قانونی، قاضی مستقل، وکیل مدافع، هیئت منصفه و نیز در صورت محکومیت قضایی، حق برخورداری از رفتار متناسب قانونی را تضمین می کند. دسته ی چهارم یعنی ضمانت های نهادی، در برگرفته ی حقوق مربوط به حق مالکیت، حق ارث و حق تشکیل زندگی مشترک و خانواده می باشد. در جمع بندی حقوق اساسی می توان تصریح کرد که این حقوق، از اهمیت ویژه ای در تنظیم مناسبات میان فرد و دولت برخوردار است. حقوق اساسی، به هر فرد این امکان را می دهد که بتواند کنش و واکنش اجتماعی خود را در مقابل محاکم صلاحیتدار قضایی توجیه کند. این حقوق، برای هر فرد، سپهری از آزادیهای فردی فراهم می آورد که همواره باید از تعرض دولت در امان باشد. اما فروکاستن حقوق اساسی به گونه ای «حقوق حفاظتی»، نادرست است. در کشورهای دمکراتیک گونه های دیگری از حقوق اساسی وجود دارد که دولت را موظف می سازد تا برای تحقق آنها فعالانه وارد عمل شود و دست به اقدام زند. این نوع حقوق را «حقوق اساسی اجتماعی» می نامند. در مورد اینگونه حقوق، دولت باید حتی المقدور تلاش ورزد، زمینه های مناسب را برای شهروندان خود فراهم آورد.

ج - حقوق شهروندی : در توضیح حقوق اساسی گفتیم که این حقوق، دربرگیرنده ی کلیه ی حقوق مدون و مصوب در قوانین اساسی گوناگون، بر شالوده ی موازین حقوق بشر می باشد. بخشی از حقوق اساسی مانند حق زندگی و خدشه ناپذیری فیزیکی انسان که ملهم از حقوق بشر در شکل مطلق آن است، باید از طرف همه ی دولتها و نهادها در مورد همگان رعایت گردد. اما بخشی دیگر از این حقوق اساسی مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است، می تواند در برخی از قوانین اساسی،

مرضیه مرتاضی لنگرودی

نسبت میان حقوق بشر و حقوق زنان



س- به عنوان یکی از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر در ایران، چه نسبتی میان اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق زنان وجود دارد؟

ج- اعلامیه جهانی حقوق بشر بعد از جنگ جهانی دوم و در دفاع از حیثیت و حقوق انسانی انسان ها توسط دول فاتح تدوین و به جهانیان ابلاغ شد. در جریان جنگ های جهانی اول و دوم حقوق حیاتی و طبیعی میلیون ها انسان مورد تجاوز قرار گرفت و پامال قدرت شد. هرچند کشتن و تجاوز و غارت انسان توسط انسان، پدیده نوظهور و تازه ای در تاریخ زندگی بشر نبود اما جنگ جهانی دوم به واسطه تخریب گسترده و استفاده از بمب اتمی و کشتار و معلولیت ناگهانی و تدریجی میلیون ها انسان در خلال و پس از پایان جنگ، نقطه عطفی در زندگی بشر محسوب می شود. لذا پس از جنگ جهانی دوم برای دفاع از حیثیت انسان ها و همچنین برقراری صلح پایدار منشور جهانی حقوق بشر توسط دول فاتح در قالب اعلامیه ای ۳۰ ماده ای تدوین و منتشر شد. اهداف این اعلامیه تاکید مستمر بر صلح جهانی، دفاع مداوم از کرامت انسان، فارغ از جنس و نژاد و رنگ و ثروت در سراسر جهان اعلام شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید و مسئولیت نهادینه ساختن آن و متعهد شدن کشورهای سراسر جهان به مفاد اعلامیه به عهده سازمان ملل متحد گذاشته شد. در مقدمه این اعلامیه ذکر شده است که شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر زنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است.

از آنجا که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر به اقدامات وحشیانه ای انجامیده که وجدان بشر را برآشفته اند، پیدایش جهانی که در آن همه انسان ها دارای حق آزادی بیان و عقیده و فارغ از ترس و... باشند، عالی ترین آرزوی بشری اعلام شده است. همچنین در مقدمه آمده است: ضروری است از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان بر ضد بیداد و ستم مجبور نگردد. و هم چنین مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این نکته تاکید دارد که مردمان ملل متحد ایمان خود را به

حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند.

در مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آزادی تمام افراد بشری، رفتار کردن با روحیه برادرانه و بدون هیچ گونه تبعیضی سخن به میان آمده است که از آن جمله می توان به مواد ۱ و ۲ و ۷ این اعلامیه اشاره کرد. با این تفصیل روح حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، روحی عدالت خواه و حق خواه و ضد تبعیض است. اما از آن جا که این اعلامیه به طور نسبی متوجه خشونت است که دولت ها معمولاً مرتکب می شوند مبتنی بر حمایت از مردم در حوزه عمومی است.

در واقع اعلامیه جهانی حقوق بشر با توجه به زمان تدوین و دغدغه هایی که پس از جنگ و هنگام انتشار آن وجود داشته بیشتر مبتنی بر تجربه های زندگی مردانه بوده و به حقوق زنان در حوزه خصوصی و رابطه عادلانه بین حوزه خصوصی و خانواده توجه نکرده است. لذا مدافعان حقوق بشر و فعالان دفاع از حقوق زنان در عمل و به تجربه مشاهده کرده اند هرچند حمایت و دفاع از کرامت و حیثیت انسانی زن جزء استانداردهای حقوق بشر است و مورد توجه آن است اما عملاً با تجاوزاتی که به کرامت و حیثیت انسانی زن در حوزه خصوصی با بهانه رعایت آداب و رسوم و فرهنگ می شود توجیهی نکرده است. زنان در مقام مدافعان حقوق بشر در عمل دیدند که مفاد اعلامیه بر دفاع از قربانیان خشونت در برابر عاملین دولت و آمرین است. در حالی که عاملین غیردولتی و جباران خانگی و آمرین غیررسمی که معمولاً هنگام صلح بیشترین تجاوزات به حقوق انسانی زنان را در حوزه خصوصی مرتکب می شوند نادیده گرفته می شوند و در معیارهای سنتی حقوق بشر حمایت در برابر انواع خشونت ها به گونه ای تقسیم بندی شده اند که زنان در آن جایی ندارند. علاوه بر تجاوزات فیزیکی روزمره، نداشتن حق تصمیم گیری برای داشتن فرزند و تولید مثل، نداشتن امنیت روانی در زندگی خصوصی و اجتماعی به واسطه ساختار فیزیکی زمانه و رنج مضاعفی که زنان در خشونت ها و جنگ ها از تحقیر و شکنجه و تجاوز می برند، همه اینها باعث شد که

بقیه در صفحه ۱۴

مهیندخت مصباح

پرونده سازی بر اساس شنود



عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری که به اتهام توهین به دادستان، تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی، مدت ۲۱۹ روز در بازداشت موقت و دو ماه در سلول انفرادی به سر برد، شامگاه یکشنبه ۱۴ اسفند با قرار

وثیقه یکصد میلیون تومان آزاد شد. پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارجاع شده اما هنوز زمانی برای محاکمه تعیین نشده است. عبدالفتاح سلطانی در گفتگو با دویچه وله، به پرسش‌های مربوط به دوران بازداشت موقت و دورنمای این پرونده پاسخ داد.

آقای سلطانی، چه شد که بازپرس برای شما در بدو دستگیری، اول قرار وثیقه صادر کرد و بعد آن را به قرار بازداشت موقت تبدیل نمود؟

عبدالفتاح سلطانی: در تاریخ نهم مرداد هشتاد و چهار حدود ساعت شش هفت بعد از ظهر، آقای بازپرس با مطالعه پرونده، تشخیص دادند که دو فقره اتهام بیشتر امکان طرح ندارد و در پرونده دلیلی برای اتهام دیگری نیست. آنچه به بنده ابلاغ شد، دو اتهام توهین به دادستان تهران آقای سعید مرتضوی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی بود که برای این دو اتهام قرار وثیقه صد میلیون تومانی صادر شد. بنده برگشتم به سلول انفرادی اما دو سه ساعت بعد برحسب اطلاعاتی که بدستم رسید، فهمیدم آقای مرتضوی بلند می‌شود به زندان اوین، بند ۲۰۹ می‌آید و با اعمال فشار و ترفندهایی که به کار می‌برد، بازپرس را وادار می‌کند که قرار وثیقه را تبدیل کند بعد از دو سه ساعت به قرار بازداشت موقت و اینکار نه معمول است و نه توجیه قانونی دارد. من البته آن بازپرس را مقصر نمی‌دانم، به نظر من آدم با حسن نیتی بود ولی بر اثر فشار آقای مرتضوی و عوامل ایشان دست به اینکار زد.

هیچوقت مشخصا به شما گفته شد که منظور از توهین به آقای مرتضوی چیست؟ عبدالفتاح سلطانی: مشخصا گفتند شما در یک مکالمه تلفنی فحشی به ایشان داده‌اید! من گفتم نه آقا چنین چیزی نیست و این یک پرونده سازی است که دلیل خاصی برای اتهام

نداشته‌اید. و مکالمه تلفنی هم در اصل شنود بوده، نه اینکه مستقیم با مقامی...

عبدالفتاح سلطانی: بله! هم شنود غیرقانونی و هم اینکه شنودها را تحریف هم کرده بودند. شنود که گذاشته بودند، هیچ، محتویات مکالمه را تحریف کرده بودند تا آنچه خودشان دلشان می‌خواهد گزارش کنند و بتوانند با این پرونده سازی با ما برخورد کنند.

آقای سلطانی چیزی که در این رابطه عجیب به نظر می‌رسید، این که در زمان رسیدگی به پرونده شما، بازپرس تغییر کرد. علت را چه می‌دانید؟

عبدالفتاح سلطانی: آقای سالم پور که بازپرس اولیه بود، سعی می‌کرد در حد توان خود قانونی برخورد کند. و چون چندین بار کتبا اعلام نظر کرد که قرار بازداشت موقت باید فک شود و تبدیل به قرار وثیقه شود و بنده آزاد شوم. آقای مرتضوی نه فقط با درخواست ایشان موافقت نمی‌کرد، بلکه قانون را هم رعایت نمی‌کرد که طبق آن اگر ایشان مخالف نظر بازپرس است، باید پرونده را برای حل اختلاف بفرستند دادگاه. ایشان نه تنها اینکار را نکرد، بلکه حتی پرونده را دو ماه و نیم سه ماه با وجودی که ارجاع کرده بود به بازپرس، در اختیار خودش قرار داده بود. آقای دادستان نقض آشکار قانون می‌کرد و پرونده ارجاع شده به بازپرس را در اختیار خود گرفته بود تا هر کاری برای پرونده سازی می‌خواهد بکند. آقای بازپرس هم خسته شد و با توجه به فشارها و شرایطی که بود تقاضای انتقال کرد و از قوه قضاییه ظاهرا رفت بیرون! ایشان بجز مورد اول، زیر بار حرفهای آقای دادستان نرفت اما بعد سعی کرد موضع خود را تعدیل کند. بعد از این بود که پرونده را از ایشان گرفتند و به بازپرسی دادند که حرف شنوی از آقای مرتضوی داشته باشد.

فکر می‌کنید چه شد قرار وثیقه هشتصد میلیونی را که نوعی سنگ قلاب بود، برایتان تعیین کردند؟

عبدالفتاح سلطانی: با توجه به اعتراض‌هایی که در افکار عمومی و جامعه و کلا شد و همه می‌دانستند که این اتهام‌ها دلیلی ندارند، دیدند بهتر است به اصطلاح خودشان آزادی را با سیستم قطره‌ای بدهند. اول آمدند بعد از حدود پنج ماه قرار بازداشت موقت را به قرار وثیقه هشتصد میلیون تومانی تبدیل کردند. معلوم بود که من چنین مبلغی را ندارم. بعد از یکماه و خرده‌ای از این قرار، آن را به

عبدالفتاح سلطانی: آنطور که مطلع شدم، عده‌ای از موکلین سابقام که از شخصیت‌های معروف ملی مذهبی هستند، مثل آقای دکتر پیمان و سایر بزرگان، آمدند نامه‌ای نوشته‌اند و خواسته معقولی داشته‌اند که شما یک ان جی او هستید که یکی از اعضای هیات مدیره‌تان الان در زندان است و خواسته بودند یک مذاکره چند دقیقه‌ای با هیات مدیره داشته باشند تا آنها هم اقدامات قانونی برای آزادی بنده انجام دهند. متأسفانه برخوردی که رییس هیات مدیره کانون و یکی دو نفر دیگر و نه همه اعضای آن کرده بودند، بسیار نامناسب بوده و حتی حاضر به صحبت با آنها نشده‌اند. این نشان می‌دهد که کسانی که مسئولیت‌های سنگینی در کانون و کلا بر عهده شان است، آشنا به این مسئولیت‌ها نیستند و به قدری محافظه‌کار و درگیر منافع شخصی خود هستند که یادشان رفته مسئولیت قانونی‌شان فراتر از منافع شخصی شان است. البته شاید این هم از توفیقات الهی بود که جامعه فرهیخته و کالت اینها را با این برخوردها شناسایی کند و فکر می‌کنم در موارد بعدی انتخابات هیات مدیره، دیگر به چنین عناصری رای داده نشود.

بقیه از صفحه ۱۸

شرکت واحد را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

الف) آزادی بی قید و شرط همکاران سندیکایی به نام های ۱. منصور اسالو، ۲. ابراهیم مددی، ۳. ابراهیم نوروزی گوهری، ۴. منصور حیات غیبی، ۵. غلامرضا میرزایی، ۶. یعقوب سلیمی، ۷. افشین بهرامی، ۸. ستار امینی، که در پی اعتراضات صنفی دستگیر شده‌اند.

ب) بازگشت به کار کلیه فعالان سندیکا که از تاریخ دستگیری تا به حال در حالت تعلیق از کار به سر می‌برند.

ج) ترمیم دستمزد و حقوق و حضور نمایندگان واقعی کارگران در کمیته تعیین دستمزد و حقوق.

ضمناً سندیکای کارگران شرکت واحد از کلیه نهادها، انجمن‌ها، تشکلات کارگری داخلی و تمام سندیکاهای کارگری دنیا و حقوق بشر و بین الملل تقاضا می‌کنیم تا از سندیکای کارگران شرکت واحد حمایت نموده تا این تشکل نوپا بتواند مرحمی بر زخم‌های کهنه‌ی کارگران کشور عزیزمان ایران باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

صد میلیون مبدل کردند. ما صد میلیون هم نداشتیم. اما با تلاش دوستان در تاریخ سیزدهم اسفند این مبلغ تودیع شد و ما چهاردهم اسفند آزاد شدیم.

آقای سلطانی شرایط شما در اینمدت در زندان به چه ترتیبی بود؟

عبدالفتاح سلطانی: ببینید! بند ۲۰۹ زندان اوین بند خودمختار است. وجود این بند خلاف قانون است و وزارت اطلاعات حق ندارد چنین بندهایی را با مدیریت خاص درست کند و عملاً نظارتی جدی توسط سازمان زندانها بر این بند وجود ندارد. مثلاً در زندان اوین چند سال است که لباس مخصوص زندان منع شده اما آنجا لباس مخصوص دارند و این برخلاف بخشنامه آقای شاهرودی است. یا آنجا در زندان اوین چشم بند زدن ممنوع شده اما آنجا چشم بند می‌زنند. سلول انفرادی غیر قانونی است اما در این بند عمدتاً هر متهم که وارد می‌شود، بسته به اتهام‌اش یکماه، دو ماه، چهارماه انفرادی نگاه داشته می‌شود. من خودم دو ماه انفرادی بودم. دسترسی به تلفن نیست. امکان استفاده از رادیو، تلویزیون و مطبوعات و حتی کتاب وجود ندارد و آنها با اعمال فشارهای روانی طرف را وادار می‌کنند اقرار به گناه‌های نکرده بکنند. آنجا فعلاً حداقل در رابطه با بنده و امثال بنده، فشارهای فیزیکی وجود نداشت، سعی هم می‌کردند ظاهراً خیلی مودب باشند ولی فشار روانی وجود داشت و از این طریق می‌خواستند به خواسته‌هایشان برسند.

الان برای محاکمه شما تعیین وقت شده؟

عبدالفتاح سلطانی: نخیر. فعلاً پرونده ارجاع شده به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب که پرونده‌های مهم را می‌فرستند. قرار است بعد از عید، پرونده توسط وکلا مطالعه شود. خودم هنوز مطالعه نکرده‌ام. هر چند ما امید ضعیفی داریم که دادرسی عادلانه‌ای برگزار شود. چنانچه امکانات و شرایط دادرسی عادلانه باشد، بنده دفاع می‌کنم، اما اگر دیدم نه می‌خواهند تشریفات و فرمالیته دادگاه را برگزار کنند، دفاعی هم نخواهم کرد و هر کاری خواستند بکنند، بکنند!

یکبار دوستان و همکاران شما به دیدار اعضای کانون و کلاهی مرکز رفته بودند و رفتار مناسبی ندیده بودند. شما این برخورد را چگونه ارزیابی میکنید؟

قدردانی سندیکای شرکت واحد از حمایت‌های بین‌المللی

بسمه تعالی



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران شرکت واحد از کلیه مجامع کارگری و سندیکاهای جهانی در رابطه با حمایت‌های بی‌دریغ‌شان از این تشکل نوپا کمال تشکر و قدردانی را می‌نماید. در پی تلاش‌ها و اعتراضات رانندگان و کارگران شرکت واحد جهت رسیدن به خواسته‌های قانونی و صنفی خود که به طور مستمر و پیگیر تا به امروز ادامه داشته، می‌شود به مراجعات متعدد به ادارات کار، شهرداری، مذاکرات متعدد با مراجع ذیصلاح و اعتراضاتی چون تحصن و روشن نمودن چراغ‌های اتوبوس‌ها و دو مرحله اعتصاب اشاره کرد که در مرحله دوم منجر به دستگیری اعضای هیئت مدیره سندیکا و بیش از ۸۵۰ نفر از فعالین سندیکایی گردید که در حال حاضر ۶ نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا به نام‌های:

۱- منصور اسالو ۲- ابراهیم مددی ۳- منصور حیات غیبی ۴- علی زاد حسین ۵- یعقوب سلیمی ۶- ابراهیم نوروزی گوهری در بند ۲۰۹ زندان اوین به جرم تشکیل و ایجاد سندیکا محبوس می‌باشند و کلیه کارگران معترض که در روز اعتصاب دستگیر شده‌اند از کار بی‌کار و مسئولین مربوطه به هیچ عنوان پاسخ‌گوی مسائل و مشکلات رانندگان اخراجی نبوده بلکه در حال حمایت از کارفرمایان زورگو می‌باشند.

لذا به همین جهت سندیکای کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می‌دارد که خواسته‌های کارگران و رانندگان شرکت واحد به حق، قانونی و صنفی بوده و تا رسیدن به کلیه خواست‌های مشروع و صنفی کارگران به عنوان نماینده واقعی در کنارشان می‌باشیم. همچنین سندیکا به نمایندگی از طرف رانندگان و کارگران شرکت واحد خواستار:

۱- آزادی بدون قید و شرط تمامی اعضای هیئت مدیره سندیکا

۲- بازگشت به کار کلیه کارگران در حال تعلیق

۳- رسیدن به خواسته‌های صنفی و به حق کارگران مانند ترمیم پایه حقوق، انعقاد پیمان دسته‌جمعی و انتخاب نماینده واقعی می‌باشد.

همچنین به اطلاع می‌رساند که سندیکای رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی مستقل بوده و به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارد و از تمامی مجامع کارگری، مردمی و سندیکاهای جهانی خواستار حمایت از این تشکل نوپا و به حق می‌باشیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۸/۱۲/۱۳۸۴

هیچ یک از مسئولین پاسخ‌گوی رانندگان معترض نمی‌باشند

پس از عرض سلام حضور کلیه ی هموطنان و کارگران به خصوص رانندگان شرکت واحد به اطلاع می‌رساند:

در پی اعتراضات متعدد رانندگان که سرانجام در تاریخ ۸۴/۱۱/۸۴ به اعتصاب کشیده شد، در همان ساعات اولیه با باشدت سرکوب گردید و منجر به دستگیری تعداد کثیری از همکاران مخصوصا اعضای هیات مدیره و خانواده ی گروهی از این اعضا گردید، تا به امروز نه تنها مشکلی از مشکلات این قشر زحمتکش و آسیب پذیر حل نشد، بلکه از کار کردن تمام اعضای هیات مدیره و فعالان سندیکایی جلوگیری به عمل آمده و هیچ یک از مسئولین پاسخ‌گوی رانندگان معترض نمی‌باشند و حتی احکام اخراجشان را نیز تحویل نداده اند و ادارات کار نیز هیچ توجهی در رابطه با شکایت کارگران نکرده و حتی از دادن رسید برای شکایت ایشان نیز ممانعت به عمل می‌آورند. کارفرما بدون برگزاری کمیته ی تخلفات تعداد چهل و شش نفر از اعضای هیات مدیره سندیکا و فعالان سندیکا را اخراج نموده و با اعلام این که تنها با امضاء تسویه حساب احکام اخراج را تحویل می‌دهند، که این خود نقض صریح قانون می‌باشد، و با پرسش کارگران در مورد رفتار فوق تنها به این بسنده می‌کنند که اخراج کارگران مربوط به شورای تامین استان می‌باشد. برای کارگران مهم است بدانند وقتی مسئولین ما در رسانه های جمعی در مورد سندیکاهای فرانسه و آمریکای جنوبی به نقد و بررسی کارشناسانه می‌پردازند، پس چرا فعالان سندیکایی که در راه احقاق حقوق صنفی خود فعالیت می‌کنند باید در زندان باشند و فعالان معترض از کار بی‌کار شوند. آیا این عدالت اجتماعی است که کمترین حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد باید نادیده گرفته شود؟

سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر خواسته های کارگران

بقیه در صفحه ۱۷

علی امینی

بخشی از سابقه حمله به مراکز دینی

و منازل دگراندیشان در قم



حمله اخیر به حسینیه
دراویش گنابادی قم —
معروف به حسینیه
شریعت — در ماه‌های
دی و بهمن سال ۱۳۸۴
بهاغه ای شد برای

بررسی اجمالی سابقه حمله نیروی موسوم و معروف به حزب الله با پشتیبانی نیروهای انتظامی و امنیتی به مراکز متعدد مذهبی.

لازم به ذکر است که در یک نگاه ساده وجه مشترک تمامی این اماکن عدم هم‌نوائی و هم‌صدائی با نظام حاکم و معرفیت آنان به داشتن نظر مخالف بوده است و این الزاما به معنای رویارویی و حتی ابراز کمترین مخالفت در بعضی موارد نبوده است.

۱ — حمله به خانه مرحوم آیه الله سید کاظم شریعتمداری اولین حرکت از این دست حمله به منزل مرحوم آیه الله شریعتمداری بود که در سال ۶۱ و پس از زمینه چینی‌هایی که جامعه مدرسین حوزه علمیه در پس آن بود انجام شد.

در این حمله افرادی مضروب و جمع زیادی از مقلدان آن مرحوم که در کوچه و خیابان صدا به اعتراض برآورده مصدوم و دستگیر گردیدند. از آن زمان و تا پایان حیات، ایشان در زندان خانگی به سر می‌برد و تمامی اموال و منزل و دفتر ایشان مصادره گردید.

۲ — حمله به ساختمان دارالتبلیغ اسلامی و کتابخانه آن مربوط به مرحوم آیه الله شریعتمداری واقع در نزدیکی منزل ایشان متعاقب حمله به منزل آیه الله شریعتمدار در یک روز جمعه و پس از برپائی نماز، جمعی محدود از نمازگزاران با شعارهای اهانت آمیز از دیوار دارالتبلیغ اسلامی که مرکزی اسلامی و با سابقه بود بالا رفته و به غارت و چپاول و تخریب پرداختند و حتی در این میان به کتابخانه مجاور آن که وابسته به دارالتبلیغ بود یورش برده و پس از آن با ایراد تهمت‌ها و افتراات زیاد، تا آن جا پیش رفتند که آن جا را محلی برای انجام اعمال منافی عفت و نگه داری مشروبات الکلی اعلام کردند. جالب توجه است که بسیاری از سردمداران و مدرسین و مراجع تقلید رسمی حال حاضر حوزه در ابتدای انقلاب به همکاری به آن مرکز تفاخر می‌کرده و آقایان

ناصر مکارم شیرازی (مرجع رسمی دولتی در قم و از نمایندگان دوره اول مجلس خبرگان)، محمد علی تسخیری (دارای مناصب متعدد در جمهوری اسلامی)، موسوی تبریزی از آن جمله اند.

۳ — حمله به مسجد رفعت در صفائیه قم معروف به مسجد صفائیه مسجد رفعت در یکی از مشخص ترین مناطق قم — خیابان صفائیه — قرار داشته و به مسجد صفائیه نیز مشهور و معروف می‌باشد.

امام جماعت مسجد مزبور آیه الله محمد تقی طباطبائی قمی فرزند مرجع بزرگ شیعه آیه الله حاج آقا حسین قمی و برادر آیه الله سید حسن قمی ساکن مشهد و از مخالفین مشهور نظام پهلوی بود.

این مسجد نیز به تحریک یکی از اعضای جامعه مدرسین یعنی احمد آذری قمی — بنیانگذار روزنامه رسالت، دادستان کشور، نماینده چند دوره مجلس شورا، طرفدار نظریه ولایت مطلقه فقیه و از اصول دین دانستن آن — مورد حمله و به تصرف در آمد و در این میان آیه الله قمی مضروب و مصدوم گردیده و خانه نشین شد و احمد آذری قمی سالیان متمادی امامت جماعت آن را به عهده داشت. احمد آذری قمی پس از وقایع ۲ خرداد ۱۳۷۶ به جبهه مخالفان پیوست و روش دیگری را ظاهرا در پیش گرفت ولی مسجد مزبور همچنان از مراکز تندروها در قم می‌باشد.

۴ — یورش به حسینیه کربلائیهای مقیم قم (ایرانی الاصل) در مجاورت منزل آیه سید محمد شیرازی

این حسینیه نیز در نزدیکی منزل آیه سید محمد شیرازی و در کوچه ای موسوم به کوچه آیه الله گلپایگانی قرار دارد و در همین کوچه منازل علمائی مانند آیه الله شیخ عبدالکریم حائری — موسس حوزه علمیه قم — و آیه الله بروجردی بوده است و در حال حاضر مسجد و منزل محمد فاضل لنگرانی — از مراجع دولتی و معروف به قفقازی — نیز در این کوچه قرار دارد. حسینیه مزبور توسط کربلائی‌های بازگشته از عراق مقیم قم ساخته شد و اینان اکثرا از مقلدین و طرفداران مرحوم آیه الله سید محمد شیرازی بودند. در حسینیه مزبور مراسم عزاداری و دیگر مراسم مذهبی انجام می‌شد و دارای کلاس‌های درس و آموزش عقاید و تاریخ اسلام بود و به عنوان یک مرکز فرهنگی شناخته می‌شد. این حسینیه در سال ۶۱ مورد حمله قرار گرفت و افراد بسیاری دستگیر شده و با بازداشتگاه‌ها منتقل گردیده و تعدادی از آن نیز به حبس‌های مدت دار و تبعید محکوم گردیدند و پس مدت‌ها تصرف توسط نیروهای امنیتی، تخلیه و سالیان متمادی مسدود بود.

بودن آن محل حاضر به حضور در آن جا نشدند و اکنون حسینیه مزبور غالباً بسته بوده و هیچگونه مراسمی در آن برگزار نمی‌شود و علیرغم تلاش بسیار متولیان آن، این حسینیه باز پس داده نشد.

۷ - حمله به حسینیه شهدا

این حسینیه مربوط به آیه‌الله منتظری بوده که توسط ایشان ساخته شده و محل تدریس و سخنرانی ایشان بود.

حسینیه مزبور که در مجاورت منزل آقای منتظری بود در دو نوبت پس از عزل و پس از سخنرانی ۱۳ رجب مشهور ایشان مورد حمله قرار گرفت و علاوه بر منهدم کردن قرآن و کتب ادعیه ای که در آن وجود داشت، کتابهای درسی و وسایل آن منهدم گردیده و یا به شدت آسیب دید و حسب گفته آیه الله منتظری در کتاب خاطرات، حتی بسیار از نوارها و اسناد از حسینیه و منزل ایشان به یغما برده شد.

این حسینیه همچنان مسدود می‌باشد و علیرغم مراجعات مکرر اعضای دفتر ایشان، از باز پس دادن آن و اسناد و مدارک مربوطه خودداری می‌کنند.

۸ - حمله به منزل مسکونی آیه‌الله منتظری

همزمان با حمله به حسینیه شهدا منزل ایشان نیز مورد حمله قرار گرفت و ضمن تخریب، مقادیر زیادی اسناد و نوارهای صوتی و تصویری و دیسکتهای کامپیوتری تاراج و تخریب شد. در این حمله، هدف یورش گران حتی تا قتل ایشان پیش بینی شده بوده که آقای منتظری به کتابخانه خود که محکم و حفاظت شده بنا گردیده بود پناه برده و توطئه حمله کنندگان خنثی شد.

۹ - حمله به دفتر آقای شیخ احمد آذری قمی

این دفتر واقع در خیابان (کوچه) ناصر واقع در محله صفائیه قم و نزدیک منزل آقای منتظری بوده و در سالهای پیش انتخابات دوم خرداد در اجاره حزب الله قم بود.

پس از انتخابات دوم خرداد و ریاست جمهوری محمد خاتمی و فعال شدن مجدد آقای آذری قمی و نیز انتشار رساله عملیه از جانب ایشان و رسمی به عرصه مرجعیت، این دفتر مورد حمله قرار گرفته و با دخول افراد موسوم به حزب الله به داخل آن تخریب و وسایل آن از جمله تصاویر و کتب و اثاثیه مورد تخریب قرار گرفت.

این دفتر که گویا در مالکیت عروس یا دختر آیه الله منتظری بود علیرغم پی گیریهای حقوقی و قضائی بازپس داده نشده است.

۵ - یورش به منزل مسکونی و دفتر مرحوم آیه الله سید محمد شیرازی - چندی پس از حمله به حسینیه کربلائیهای مقیم قم، منزل آیه الله سید محمد شیرازی در مجاورت همان محل نیز مورد تعرض و حمله تعداد معدودی افراد منسوب به حزب الله و با کمک نیروهای امنیتی قرار گرفت و افرادی از طلاب حاضر در منزل مورد ضرب و شتم و آزار و زندان قرار گرفتند. از آن پس آیه الله شیرازی در خانه زندانی و گردید و بارها اطرافیان ایشان را بازداشت و تبعید نمودند و بارها نیز از تدریس ایشان به دلایل مختلف جلوگیری نمودند.

آیه الله محمد شیرازی تا پایان عمر و در اعتراض به این اعمال از منزل خود خارج نگردید و در همانجا فوت نمود.

جالب توجه این که چند سال پس از فوت ایشان و علیرغم عمل نمودن به وصیت ایشان مبنی بر تعیین محل دفن، سال گذشته همسر سالمند و خانواده و نزدیکان ایشان در بازگشت از فاتحه خوانی بر مزار آن مرحوم - در حرم حضرت معصومه - مورد حمله تعدادی زن سیاه پوش واقع گردیدند و مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

۶ - یورش به حسینیه زینبیه و تصرف آن در گذر خان قم

حسینیه و مسجد در همه جای قم به وفور دیده می‌شود. این مساجد یا حسینیه‌ها محلی برای تجمع و اجرای مراسم عده ای همفکر یا همشهری است. یا با نام و یا بی نام و با نامی عام.

مشهدی‌های، یزدی‌ها، ساوجی‌ها، زنجانی‌ها، تبریزی‌ها و... هر کدام حسینیه ای دارند یا در مسجدی که ساخته اند به اجرای مراسم مذهبی می‌پردازند. و گاهی مساجد یا حسینیه‌هایی محل تجمع پیروان یکی از مراجع یا مدرسین به نام است. حسینیه کربلائیهای قم موسوم به حسینیه حضرت زینب از آن جمله است که در نزدیکی مرقد حضرت معصومه بوده - خیابان ارم - و اکثر حاضرین آن از پیروان و مقلدین مرحوم آیه الله سید محمد شیرازی بودند و اکثراً در ماه‌های محرم به اجرای مراسم می‌پرداختند. چند سال پیش یعنی در سال ۱۳۷۵ این حسینیه توسط پیروان آقای مصباح یزدی مورد حمله و اشغال قرار گرفت و حتی حاضر به پس دادن وسایل آن همانند فرش‌ها و وسایل طبع و وسایل عزاداری نشدند.

چند بار و در ایامی مشخص آقای مصباح یزدی در آن جا سخنرانی می‌کرد ولی بسیاری از مداحان و مرثیه سرایان به جهت غضبی

ب — در آن مراسمی انجام می‌شده که بر خلاف خواسته ومیل حاکمان و مافیای روحانیت در قم بوده است.

ج — زعامت در برخی محل‌های مزبور به عهده کسانی بوده است که در تابعیت و مورد تأیید حاکمان جمهوری اسلامی و مافیای قدرت در قم — به سرکردگی مصباح یزدی و برخی از مراجع مذهبی دولت گفته — نبوده و در جنایات و تندروی‌ها همراهی و مشارکت نمی‌نموده و یا سکوت کرده و گاهی اوقات مخالفتی نیز می‌نموده اند.

وجه مشترک این سه موضوع نیز، عدم همفکری و هم اندیشی با حاکمان می‌باشد و منظور از این حمله‌ها و تخریب‌های مادی و تبلیغاتی نیز عدم تحمل اندیشه مخالف و سرکوب و نابودی آن می‌باشد.

۱۰ — یورش و به آتش کشیدن و در نهایت تخریب کامل حسینیه دراویش قم معروف به حسینیه شریعت

این حسینیه و منازل پیرامون آن نیز در مرکز شهر و نزدیکی مرقد حضرت معصومه قرار داشته (حدود ۱۵۰ متر با حرم فاصله داشت — و در کوچه ای واقع می‌شد که به خانه و دفتر مرحوم آیه الله شریعتمداری، آیه الله سید صادق روحانی و محل سکونت سید حسین خمینی منتهی می‌گردید.

انجام مراسم در آن مکان دارای سابقه ای متجاوز از ۸۰ سال بوده و محل زندگی آقای شریعت

— قطب دراویش — و پدر و برادر ایشان نیز در این محل بود. همچنین مطب برادر آقای شریعت نیز در مجاورت این محل واقع می‌گردید.

دراویش از زمان آیه الله شیخ عبدالکریم حائری دارای مراسم عادی بوده و اقطاب آنان روابط نزدیکی با مراجع عظام قم مانند آیه الله بروجردی و حائری و غیره داشته اند.

این حسینیه هیچگاه مورد تعرض و تهدید قرار نگرفت و هیچگاه علیه مراسم به عمل آمده در آن سخنی رانده و یا مخالفتی عنوان نشد. نه از سوی آیه الله شیخ عبدالکریم حائری — مؤسس حوزه — و نه از جانب آیه الله بروجردی — که دارای زعامت و مرجعیت عامه بود — و نه از جانب مراجع سه گانه — آقایان شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی — و نه حتی از سوی آیه الله خمینی و مراجع حاضر در قم.

همانگونه که در اخبار داخلی و خارجی اخیر بیان گردید این حسینیه مورد حمله بسیار شدید و ددمنشانه قرار گرفته و علاوه بر ضرب و شتم و آزار دراویش، تمامی حسینیه سوزانیده و تخریب گردید و النهایه با آورده شدن لودر و بلدوزرهای شهرداری و با حمایت نیروهای انتظامی و امنیتی محل آن کاملاً تخریب و با خاک یکسان شد و زمین آن آسفالت گردیده و پس از نصب تور سیمی در پیرامون آن مبادرت به ایجاد نمایشگاه بر علیه دراویش در محل آن گردید.

ملاحظه در وضعیت جغرافیائی مکان‌های یاد شده بیان گر سه موضوع مشترک می‌باشد.

الف — مکان و موقعیت محل‌های مذکور در برابر چشم و محل گذر روزانه مردم بوده و این موضوعی است که حاکمیت آن را بر نمی‌تابیده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر فواسته های کارگران شرکت واحد را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

الف) آزادی بی قید و شرط همکاران سندیکایی به نام های ۱. منصور اسالو، ۲. ابراهیم مردی، ۳. ابراهیم نوروزی گوهری، ۴. منصور حیات غیبی، ۵. غلامرضا میرزایی، ۶. یعقوب سلیمی، ۷. افشین بهرامی، ۸. ستار امینی، که در پی اعتراضات صنفی دستگیر شده اند.

ب) بازگشت به کار کلیه فعالان سندیکا که از تاریخ دستگیری تا به حال در حالت تعلیق از کار به سر می‌برند.

ج) ترمیم دستمزد و حقوق و حضور نمایندگان واقعی کارگران در کمیته تعیین دستمزد و حقوق.

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات رفتارظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار

گیرد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

عبدی کلانتری

تصویر اپوزیسیون ایران در آمریکا به گزارش نشریه نیویورکر

THE NEW YORKER

پس از آنکه اعلام شد وزارت امور خارجه آمریکا بودجه‌ای ۷۵ میلیون دلاری تقاضا کرده تا آن را صرف کارزار رسانه‌ای علیه رژیم ایران و کمک به گروه‌های مخالف این رژیم بکند، در آمریکا، در میان سازمان‌ها و جمعیت‌های ایرانی‌ای که خود را خواهان دموکراسی می‌دانند، جنبش و جوشی به راه افتاده است. مجله «نیویورکر» این هفته در گزارشی پانزده صفحه‌ای، تصویری از این فعالان تبعیدی و عملکرد آنها به دست داده و نیز استراتژی‌های مختلف کابینه بوش را برای تغییر رژیم در ایران توصیف کرده است.

جنب و جوشی که این روزها در میان تبعیدیان سیاسی ایران به راه افتاده، موضوع گزارش بلندی در نشریه نیویورکر (۶ مارس) است که عنوان نمایش معروف جیمز جویس را بر خود دارد و شخصیت‌های آن، کسانی هستند که با طرح‌ها و تصمیمات‌شان، و کمک‌هایی که از سیاست‌گزاران آمریکایی می‌گیرند، قصد تغییر رژیم و پیاده کردن دموکراسی در ایران را دارند.

این جنب و جوش بی‌شبهت به روزهای اول اشغال نظامی عراق نیست که شعار «گام بعدی، ایران» در میان این گروه‌ها شنیده می‌شد. در روزهای اخیر، خبر ارجاع ایران به سازمان ملل، احتمال بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران و مهمتر از همه بودجه‌ی کمکی ۷۵ میلیونی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، شور تازه‌ای را سبب شده و همه جا صحبت از استراتژی و بودجه است.

شهر لوس‌آنجلس با ششصد هزار ایرانی مهاجر یا تبعیدی، پایگاه اصلی سلطنت‌طلبان ایران است. بسیاری از آنان در کسب و کار جا افتاده و موفق‌اند اما شبکه‌های رادیو-تلویزیونی آنها با کمبودهای مالی مزمن، تنها می‌توانند برنامه‌هایی آماتوری بسازند که در آنها مردانی سالخورده، نشسته به دوربین نگاه می‌کنند و به رشته‌ی درازی از درد دل‌های تلفنی بینندگان‌شان گوش می‌سپارند، و همیشه با تکرار پایان‌ناپذیر عبارت «شما عزیزان» تقاضای کمک مالی دارند.

بنا به نوشته‌ی نیویورکر، رضا پهلوی در ضیافتی با حضور ایرانی-آمریکاییان جمهوری‌خواه و ثروتمند در نیویورک، تقاضای کمک می‌کند و مدعوین به او پیشنهاد می‌کنند در ازای هر دلاری

که او کنار بگذارد آنها هم معادلش را تقدیم می‌کنند؛ اما با کمال تعجب، رضا پهلوی اعلام می‌کند، «من که پولی در بساط ندارم!» فریدون هویدا به خبرنگار نیویورکر گفته است که «رضا پهلوی به دیدار امیر قطر، امیر بحرین، پادشاه مراکش و خاندان آل سعود رفته و از همه با موفقیت پول گرفته است.»

نیویورکر می‌نویسد بودجه‌ی فعالیت‌های رضا پهلوی در دهه‌ی هشتاد میلادی از جانب «سیا» (CIA) تهیه می‌شد اما پس از واقعه‌ی «ایران - کونترا» این بودجه قطع شد. از حامیان مهم شاهزاده در کنگره‌ی آمریکا، سناتور جمهوری‌خواه از ایالت کانزاس «سام برانگ» است که با طرح لایحه‌ای می‌خواست صد میلیون دلار کمک به گروه‌های مخالف رژیم ایران و شبکه‌های تلویزیونی آنها تخصیص دهد.

حامی دیگر رضا پهلوی «مایکل لدین» است که هم اکنون برای ستاد فکری «انستیتیوی آمریکن انتر پرایز» کار می‌کند و در ماجرای «ایران - کونترا» با همکاری دوست‌اش منوچهر قربانی‌فر (قاچاقچی اسلحه) و عناصری در کابینه‌ی رونالد ریگان، به طور پنهانی به جمهوری اسلامی سلاح و مهمات نظامی فروختند و پول آنرا به جوخه‌های ضد انقلابی نیکاراگوئه (کونتراها) فرستادند تا رژیم سوسیالیستی ساندنیستها را سرنگون کنند. مایکل لدین سه سال پیش به گروهی از ایرانیان لوس‌آنجلس گفته بود: «من با گروه‌های ضد دولت در ایران تماس دارم. به من بیست میلیون دلار بدهید تا انقلابی را که می‌خواهید راه بیندازم.»

علاوه بر این حامیان، بنا به نوشته‌ی نیویورکر، رضا پهلوی از مشاورت سیاسی احمد اویسی (برادر ژنرال اویسی)، پرویز ثابتی (سرپرست پیشین ساواک) و باقر پرهام (جامعه‌شناس ایرانی و از روشنفکران مهم مخالف شاه در رژیم گذشته) بهره می‌گیرد. مشاور اصلی رضا پهلوی، شهریار آهی است که در رژیم گذشته رابط شاه و کاخ سفید بود و هم اکنون طراح استراتژی و نویسنده‌ی سخنرانی‌های شاهزاده است و بنا به گزارش نیویورکر، با نقل گفته‌های وینستون چرچیل، نقشی بزرگ برای خود قائل است. استراتژی سلطنت‌طلبان، حول دو شعار «تشکیل کنگره‌ی ملی» و «رفراندوم برای تغییر رژیم» شکل گرفته است.

گروه تبعیدی دیگری که حامیان قدرت‌مند در میان محافظه‌کاران آمریکا و نیز کنگره‌ی این کشور دارد، سازمان مجاهدین خلق است. از آنجا که نام این سازمان در فهرست گروه‌های تروریستی

ستریت جورنال» در این پیروزی نقش مهمی داشتند. در مرحله‌ی اول استراتژی آنها، قرار بود یک «رهبرملی» نظیر حمید کرزای یا احمد چلبی برای ایران برکشیده شود.

در ماههای اخیر به دنبال ناکامی‌های آمریکا در عراق، جناح محافظه کار نیز تضعیف شد و در ارتباط با بحران هسته‌ای ایران یک خلای برنامه‌ریزی استراتژیک به وجود آمد. تا اینکه، بنا به نوشته‌ی نیویورکر، با کمک سه متخصص سیاسی، مایکل مک فال، لاری دایاموند و عباس میلانی که هر سه در استخدام بنیادهای نومحافظه کارند، در رساله‌ای با عنوان «فراسوی تغییرات تدریجی: استراتژی نوین برای مقابله با ایران»، به تبلیغ نوعی از انقلاب مخملی پرداختند: تغییر رژیم نه از راه مداخله و شیوه‌های براندازی، بلکه از راه تقویت جامعه‌ی مدنی و فشار از پایین توسط سازمان‌های حقوق بشر، دانشجویان و کارگران و نظایر آنها.

عباس میلانی، با همکاری حمید مقدم سرمایه‌دار ایرانی، در دیدارهای خصوصی با مقامات وزارت خارجه به آنها توصیه کرده‌اند که از راه‌حل‌های عراق و افغانستان پرهیز کنند و به دنبال بالابردن «شخصیت»‌های سیاسی نظیر احمد چلبی نباشند و در عوض روی «دموکراسی» و «جنبش» سرمایه‌گذاری کنند.

میلانی که در جوانی در سازمان‌های مائوئیستی فعالیت می‌کرد و به دنبال دستگیری‌اش در رژیم شاه، برای حفظ جان خود مجبور به ستایش تلویزیونی از محمدرضا شاه شده بود، اکنون استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد و سرپرست «پروژه‌ی دموکراسی برای ایران» در انستیتوی هور (از پرآوازه ترین ستادهای فکری محافظه کار در آمریکا) است و قرار است به زودی کتاب زندگی‌نامه‌ی محمدرضا شاه به قلم او منتشر شود. او به مقامات آمریکایی توصیه کرده است که «با مقامات ایرانی مذاکره کنید، اما با هدف براندازی آنها!»

بقیه از صفحه ۲۴

تواند به دلیل عدم تحویل راتکو ملادیچ متوقف شود. ملادیچ که متهم به نسل‌کشی و سایر جنایات در این زمینه است از سال ۱۹۹۵ فراری است.

سیاستمداران اروپایی ممکن است به همین دلیل از پذیرش عضویت صربستان در اتحادیه اروپایی سر باز زنند. سال گذشته نیز به دلایل مشابهی مذاکره برای پیوستن کرواسی به اروپا به حالت تعلیق درآمد.

وزارت امور خارجه قرار دارد، کمک به آن غیرقانونی است. به همین منظور مجاهدین با کمک نماینده شان علی صفوی، سه بنگاه آمریکایی روابط عمومی را به استخدام خود در آورده‌اند تا از طریق تماس با محافل جمهوری خواه، تلاش کنند نام مجاهدین از آن فهرست حذف شود. این بنگاهها نمی‌توانند به طور مستقیم از مجاهدین دستمزد بگیرند، به همین منظور، بنا به گزارش نیویورکر، برای آنکه پول مجاهدین به حساب آنها واریز شود باید از ثروتمندان ایرانی در آمریکا کمک بگیرند.

در قبال این تلاش‌ها، «ریموند تانتر»، استاد دانشگاه جورج تاون که در سفری به پاریس، شش ساعت را با مریم رجوی رهبر سازمان مجاهدین سپری کرده، به خبرنگار نیویورکر قول می‌دهد که به زودی در کاخ سفید خانم لورا بوش و کاندالیزا رایس در کنار مریم رجوی در یک عکس دست جمعی ظاهر خواهند شد. نیویورکر به رابطه‌ی نزدیک مجاهدین با دولت اسرائیل و مواردی از کمک‌های متقابل آنها به یکدیگر اشاره دارد. استراتژی مجاهدین حول حمله‌ی نظامی و «آزاد کردن» مناطق جنوبی ایران شکل گرفته است. طراحان استراتژی در دو دوره‌ی کابینه‌ی جورج بوش به دو دسته‌ی میانه‌روها (در وزارت امور خارجه و «سیا») و محافظه کاران (در پنتاگون و وزارت دفاع و سازمان امنیت ملی) تقسیم می‌شوند. میان این دو دسته رقابت و خصومت شدیدی در جریان بوده است. میانه‌روها بهنگام وزارت کولین پاول و مشاورت ریچارد آرمیتاژ و ریچارد هاس، همزمان با ریاست جمهوری محمد خاتمی، می‌خواستند به دولت ایران نزدیک شوند و از طریق تقویت اصلاح‌طلبان، و از راه مراودات اقتصادی و آکادمیک و فرهنگی، برای استحاله رژیم ایران بکوشند. در حالیکه آنها روی تضاد اصلاح‌طلبان و اقتدارگرایان دینی در ایران تأکید داشتند، نومحافظه کاران کابینه‌ی بوش، روی تضاد مردم با کل رژیم انگشت می‌گذاشتند و خواهان «تغییر رژیم» بودند.

شکست اصلاح طلبان ایران به معنی شکست میانه‌روهای کابینه‌ی بوش هم بود. همزمان، سرنگونی طالبان و صدام حسین باعث شد که نومحافظه کاران و خط پنتاگون غلبه پیدا کند. ستادهای فکری‌ای چون «انستیتوی آمریکن انترپرایز» و «انستیتوی واشنگتن برای مطالعات خاور نزدیک»، «کمیته‌ی روابط عمومی آمریکا و اسرائیل» (AIPAC)، و ایدئولوگهایی چون مایکل روبین و پاتریک کلاسون و روزنامه‌های حامی آنها چون «وال

سهیلا قاسمی

دادگاه صربستان - مونته نگرو**اولین محاکمه یک کشور در لاهه**

روز گذشته برای اولین بار پرونده یک کشور متهم به جنایات جنگی در دادگاه لاهه گشوده شد و بوسنی قرار است در این فرصت پیش آمده صربستان و مونته نگرو را به اتهام جنایاتی که طی سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ مرتکب شده است به محاکمه بکشاند. قرار است جلسات استماع در دیوان دادگستری بین المللی - دیوانی که پس از جنگ جهانی دوم برای میانجیگری در درگیری های بین دولت ها به وجود آمده است - تا روز ۹ مه به طول بینجامد و در مجموع انتظار می رود که قضاوت در مورد جنایات صربستان تا پایان سال جاری میلادی ادامه داشته باشد. در پرونده دیوان دادگستری بین المللی که از سال ۱۹۹۳ در جریان است و بوسنی شاکی اصلی آن است صربستان - مونته نگرو متهم به «قتل، کشتار، تخلف، سرقت، شکنجه و تجاوز» به شهروندان بوسنی - هرزگوین شده است. در متن شکایتی که ساریو تنظیم کرده و به دقت آن را پیگیری می کند آمده است: «سیاست کشتار شهروندان بی گناه یا گروه های قومی و مذهبی ساکن در بوسنی به دست نیروهای یوگسلاو - صرب به حدی شدید بود که تداعی کننده کشتار نازی ها در اروپا است.»

هرچند وکلای بوسنیایی می گویند هدف اصلی شان این است کاری کنند تا برای اولین بار در جهان صربستان به عنوان کشوری که مرتکب جنایات جنگی و نسل کشی شده محکوم شود اما با محکوم شناخته شدن صربستان، بوسنی خواهد توانست غرامت سنگینی نیز دریافت کند. جانت اندرسون کارشناس حقوق بین الملل موسسه گزارش جنگ و صلح در گفت وگویی با خبرگزاری فرانسه خاطرنشان می کند: «اگر بوسنی موفق شود، صربستان اولین کشوری خواهد بود که رسماً و از طریق سیستم های قضایی، حامی نسل کشی معرفی می شود و باید میلیاردها دلار

غرامت به همسایگانش پرداخت کند.» اصلی ترین مشکل وکلای ساریو اثبات مسئولیت مستقیم بلگراد و دخالت دولت در این کشتارها است. این در حالی است که آنها متهم به فراهم کردن منابع مالی و حمایت های همه جانبه از صرب های بوسنی هستند. این همان چیزی است که دادستان های دادگاه جنایات جنگی بین المللی لاهه درصدد اثباتش هستند و می خواهند به کمک آن پرونده اسلوبودان میلوشویچ رئیس جمهور سابق یوگسلاوی را به اتمام برسانند. پیش از هر چیز نیز باید انگیزه دولت یوگسلاوی در کشتار بیش از ۸ هزار مرد و پسر بچه مسلمان در سال ۱۹۹۵ مشخص شود. رادوسلاو استوژانویچ وکیل صربستان و مونته نگرو در این باره معتقد است که افرادی انگیزه کشتار مسلمانان بوسنیایی را داشته اند اما دیوان دادگستری بین المللی هرگز نخواهد توانست ثابت کند که آیا دولت یا مردم صربستان انگیزه ای برای این نسل کشی داشته اند یا خیر. بازماندگان جنگ بوسنی روز دوشنبه در مقابل مقر دیوان دادگستری بین المللی لاهه تجمع کرده و پارچه نوشته بزرگی حاوی نام های همه ۸ هزار مسلمان قربانی که در سربرنیتسا - واقع در شرق بوسنی - به دست نیروهای صرب کشته شدند را در دست گرفتند. سازمان های برگزارکننده این تجمع در بیانیه ای آورده اند: «پس از جنگ جهانی دوم، این اولین نسل کشی در سرزمین اروپا است. به رغم درخواست های متعدد، اعتراضات و تلاش های سازمان های مدافع حقوق بشر، اروپا تنها زمانی به مداخله در امور بوسنی پرداخت که دیگر خیلی دیر شده بود.» در این حال در لاهه و کمی دورتر از دیوان دادگستری بین المللی، دادگاه جنایات جنگی همچنان مشغول کار بر روی پرونده اسلوبودان میلوشویچ، جنایات او علیه بشریت، نسل کشی و جنایات جنگی در زمان درگیری های بالکان در سال های دهه ۱۹۹۰ است.

• مهم ترین نگرانی اتحادیه اروپا

در این حال وزرای خارجه اتحادیه اروپایی روز دوشنبه در بروکسل به مذاکره نشستند. قرار بود آنها تصمیم بگیرند که آیا صربستان و مونته نگرو مستحق مجازات است یا نه. وزرای اروپایی در مورد تعویق گفت وگوها برای برقراری روابط نزدیک تر نیز گفت وگو کردند. پیش از این نیز اتحادیه اروپایی به صربستان هشدار داده بود که عضویت این کشور در اتحادیه اروپایی می

بقیه در صفحه ۲۳

کانون مدافعان حقوق بشر در ایران



بیانیه ۱

"کانون مدافعان حقوق بشر"، در تازه ترین اطلاعاتیه خود به افزایش احضار، تعقیب و توقیف متهمان سیاسی و مطبوعاتی، اعدام یک متهم سیاسی، تخریب حسینیه متعلق به مرحوم "شریعت" و دستگیری اهل تصوف در قم و تروریسم کور حاکم بر عراق پرداخته است.

هم وطنان عزیز؛ "روند احضار و تعقیب و توقیف متهمان سیاسی و مطبوعاتی در حال حاضر رو به تزاید گذاشته، این نوع متهمان عموماً توسط مراجع غیر صالح قضایی، احضار و بر خلاف اصول ۲۲-۲۳-۲۴-۳۲-۳۵-۳۶-۳۷ و ۱۶۸ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۱۲ و ۱۱۹ قانون دادرسی کیفری و بند های ۱-۲-۳-۴-۵-۸-۹ و ۱۱ قانون احترام به آزادی و حفظ حقوق شهروندی تحت تعقیب و محاکمه قرار می گیرند. صدور حکم اعدام که مدت های مدید برای متهمان سیاسی متوقف گردیده بوده حداقل در مورد یک نفر "حجت زمانی"، صادر و به مرحله اجرا گذاشته شده است. همچنین تخریب حسینیه متعلق به مرحوم "شریعت" و عدم تدبیر و درایت مسوولین شهرستان قم در حل و فصل قضایا در دستگیری خلاف قانون اهل تصوف موجب کمال تاسف می باشد." کانون مدافعان حقوق بشر"، در شرایط حساس کنونی مسوولین کشور بخصوص مقامات برجسته قضایی را به اجرای دقیق قانون و رعایت حقوق شهروندی و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر فراخوانده و آزادی بلا قید و شرط متهمانی را که بر مبانی فوق و از طریق دادرسی منصفانه و عادلانه محاکمه و یا محکوم نگردیده اند را آرزو می نماید. حوادث تاسف بار تروریسم کور حاکم بر عراق همچنان جان مردم و مقدسات آن ها را هدف گرفته است. این عملیات ضد انسانی از جانب هر کس و با هر نیتی که انجام پذیرد هیچ توجیه منطقی، اخلاقی و انسانی ندارد. "کانون مدافعان حقوق بشر"، ضمن محکومیت حوادث اخیر عراق، طرفین درگیر در حوادث را به خویشتن داری دعوت نموده و از آن ها می خواهد به رای مردم احترام گذاشته و با وحدت اقشار و احزاب مختلف عراق، امنیت را به این کشور و منطقه اعاده نمایند."

بیانیه ۲ کانون مدافعان حقوق بشر در بیانیه ای دیگری با محکوم کردن تروریسم در عراق، آورده است: حوادث تاسف بار تروریسم کور حاکم بر عراق همچنان جان مردم و مقدسات آن ها را هدف گرفته است. این عملیات ضد انسانی از جانب هر کس و با هر نیتی که انجام پذیرد، هیچ توجیه منطقی، اخلاقی و انسانی ندارد. کانون مدافعان حقوق بشر در بیانیه خود ضمن محکومیت حوادث اخیر عراق، طرفین درگیر در حوادث را به خویشتن داری دعوت نموده و از آنها خواسته است تا به رای مردم احترام گذاشته و با وحدت اقشار و احزاب مختلف عراق، امنیت را به این کشور و منطقه اعاده نمایند. این کانون همچنین نسبت به آنچه آن را "نقض حقوق بشر در داخل" می خواند، ابراز نگرانی کرد و از مواردی نظیر "روند احضار، تعقیب و توقیف متهمان سیاسی و مطبوعاتی توسط مراجع عموماً غیر صالح قضایی" و "تخریب حسینیه متعلق به مرحوم شریعت و عدم تدبیر و درایت مسوولین شهرستان قم در حل و فصل قضایا در دستگیری خلاف قانون اهل تصوف" انتقاد کرده و با حساس خواندن شرایط کنونی، مسوولان کشور به خصوص مقامات قضایی را به اجرای دقیق قانون و رعایت حقوق شهروندی و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر فراخوانده است.

بقیه از صفحه ۷ مرکز سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد.

- ۲- بعد از نخستین نشست، کمیته در زمانهائی که در آئین نامه داخلی خود، پیش بینی میکند، تشکیل جلسه خواهد داد.
- ۳- کمیته بطور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو نشست خواهد داشت.

ماده سی و هشتم

هر عضو کمیته قبل از تصدی وظایف خود، می باید طی اعلام رسمی در جلسه علنی کمیته (تعهد کند) که او وظایف خود را در کمال بیطرفی و از روی وجدان انجام خواهد داد.

ماده سی و نهم

- ۱- کمیته می بایست (اعضاء) هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب نماید، آنها ممکن است دوباره انتخاب شوند.
- ۲- کمیته قوانین داخلی خود را، خود تنظیم خواهد نمود اما این قوانین می باید مشتمل بر مقررات زیر باشد:
 - الف) حد نصاب (رسمیت) جلسات ۱۲ نفر باشد.
 - ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر، گرفته شود.

ترجمه: ن. نوری زاده

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد

مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ / قطعنامه A 2200

قدرت اجرائی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶



بخش چهارم

ماده بیست و هشتم

۱- یک کمیته حقوق بشر (از این بعد در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس میگردد. این کمیته شامل ۱۸ عضو است و وظائفی که در بندهای بعدی (۳ و ۲) ارائه گردد را انجام میدهد.

۲- اعضای این کمیته از اتباع کشورهای عضو این پیمان تشکیل میگردد، (یعنی) کسانی که دارای نشانه های عالی اخلاقی بوده و صلاحیت آنان در زمینه حقوق بشر شناخته شده است. شرکت بعضی از افراد که در امور قضائی دارای تجربه هستند، مورد توجه (کمیته) می باشد.

۳- اعضای کمیته، انتخابی هستند و بنا بر صلاحیت شخصی خود (در این کمیته) خدمت میکنند. (نمایندگان رسمی دولت متبوع خود نمی باشند)

ماده بیست و نهم

۱- اعضای کمیته باید با رای مخفی و از فهرست افراد واجد شرایطی که در ماده ۲۸ آمده است و بدان منظور از طرف کشورهای عضو این پیمان نامزد شده اند، انتخاب گردند.

۲- هر کشور عضو این پیمان نمی تواند بیش از ۲ نفر را نامزد کند. این افراد باید تابعیت کشور نامزد کننده را دارا باشند.

۳- تجدید نامزدی برای یک فرد مجاز می باشد.

ماده سی ام

۱- اولین انتخابات دیرتر از ۶ ماه بعد از تاریخ به قدرت اجرائی در آمدن این میثاق انجام نخواهد گرفت.

۲- حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی در کمیته، به استثنای انتخاباتی که بنا بر ماده ۳۴ برای پر کردن محل خالی انجام میگردد، دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست از کشورهای عضو

این پیمان جهت معرفی عضویت نامزدهای شان، ظرف سه ماه دعوت کتبی بعمل آورد.

۳- دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که به این ترتیب نامزد (عضویت در کمیته) میشوند با نام کشوری که آنها را (جهت عضویت) نامزد کرده اند، تهیه نماید و آنرا به کشورهای عضو این پیمان، حداکثر یکماه قبل از تاریخ انتخابات ارائه دهد. انتخاب اعضاء کمیته می بایست در نشستی که دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این پیمان بعمل آورده است، انجام گیرد. حد نصاب این جلسات دوسوم کشورهای عضو این پیمان می باشد و افرادی که برای (عضویت) کمیته انتخاب میشوند باید نامزدهائی باشند که بیشترین تعداد آراء را بدست آورده و حائز مطلق اکثریت آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده سی و یکم

۱- کمیته نمی تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری (عضو) داشته باشد.

۲- در انتخابات (اعضاء) کمیته می بایست توجه به رعایت تقسیمات منصفانه جغرافیائی اعضاء و نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و نظامهای عمده حقوقی (قانونی) نماید.

ماده سی و دوم

۱- اعضاء کمیته می بایست برای مدت ۴ سال انتخاب شوند. آنها برای انتخاب مجدد مجاز هستند که نامزد شوند. اما مدت عضویت ۹ نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات می بایست در پایان ۲ سال منقضی گردد. نام این ۹ عضو می بایست بیدرنگ بعد از اولین انتخابات به قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه و بنابر ماده ۳۰ بند ۴ معین شوند.

۲- انتخابات در پایان دوره خدمت، بنا بر مواد پیشین این قسمت از میثاق حاضر بعمل خواهد آمد.

بقیه در صفحه ۷



جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران
Society of Human Rights in Iran

5122, CDN - C.P. 49552, Montreal, QC H3T 2A5
www.polpiran.com